

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران



دوره هشتم - سال اول - شماره ۲۲
پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که روز دوشنبه ۲۱ آبان ماه، محاکمه به اصطلاح علنی اعضای رهبری حزب توده ایران در زندان اوین آغاز خواهد شد.
اخبار موثقی که ما در دست داریم مؤید آنستکه آنچه ارگان های قضایی جمهوری اسلامی "محاکمه علنی" می نامند در واقع صحنه سازی تازه ای بیش نیست. محاکمه توده های های در بند در سراسر کشور، از مدت ها پیش پشت درهای بسته آغاز شده و تعدادی از اعضای حزب ما به اعدام و عده کثیر دیگری به زندان های دراز مدت محکوم شده اند.
این احکام بمورد اجرا نیز گذاشته شده است.
در باره محاکمه اعضای رهبری حزب توده ایران که مسئولین قضایی با اصطلاح آغاز قریب الوقوع آنرا اعلام کرده اند باید خاطر نشان ساخت که این محاکمه نیز از مدت ها پیش در زندان اوین شروع شده بود و با صدور احکام اعدام عده زیادی از آنان پایان پذیرفته است. ارگان های سرکوبگر که نزدیک به دو سال قریبانیان خود را زیر شکنجه های وحشیانه و با بکار گرفتن انواع مواد مخدر تحت فشارهای شدید جسمی و روحی قرار داده بودند، برخلاف سنن رایج از مدت ها پیش احکام اعدام اعضای رهبری حزب توده ایران را کتبا به تک تک آنان سپرده و اصرار داشتند تا این احکام به رویت اعضای خانواده آنان نیز برسد.

نامه های ارسالی به احزاب، سازمانها و شخصیت های بین المللی بمناسبت آغاز محاکمات فرمایشی اعضای رهبری حزب توده ایران

خلا، قانونی؛ لائائی نخست وزیر برای خواب کردن مردم

راستی سرچشمه علل و عوامل عینی خلا، قانونی در کجا نهفته است؟ خلا، قانونی در کجا عمل می کند و بسود چه کسانی همچنان حفظ می شود؟ آیا خلا، قانونی یک بلیه عام دامنگیر همه انقلاب هاست یا تنها خاص انقلاب ما و حاکمیت خیانت پیشه ج ۱۰ است؟

نخست وزیر بعد از پنج سال ونیم که از پیروزی انقلاب می گذرد، می گوید: "اگر در رابطه با این مسائل خلا، قانونی موجود رفع گردد، سرعت و حرکت ما بیشتر خواهد شد. این مسائل عبارتند از تجارت خارجی، زمین مالیات ها و مسئله ای مانند بخش خصوصی... یا مسئله قانون شوراها... (کیهان ۷، ۲۷، ۶۳)"

خلا، قانونی "خصلت عام انقلاب هان نیست." خلا، قانونی "خاص انقلاباتی است که رهبری آنها به آرمانهای انقلاب و مردم خیانت می کند. تنها رهبری و حاکمیتی که خصلت مردمی و ضد امپریالیستی ندارد و یا تحت شرایط معینی از انقلاب رویگردان می شود، از انجام اصلاحات بنیادی به سود توده های محروم و زحمتکش سرباز می زند. پیروزی و انقلاب تقریباً همزمان با انقلاب ایران یکی در افغانستان و دیگری در نیکاراگوئه را در نظر بگیرید. چگونه است که آنها در این بن بست "خلا، قانونی" قرار نگرفته اند. مثلاً در مورد زمین و اصلاحات ارضی بنیادی که در دستور روز بقیه در صفحه ۴

نخست وزیر به اعتراف خود در ۲ سال است که عاجزانه "خلا، قانونی" را مطرح می کند. نخست وزیر با مطرح کردن "خلا، قانونی" تلاش می ورزد بی کفایتی و ماهیت عملکرد ارتجاعی دولت خود را توجیه کند و در عین حال بر بحران اقتصادی اجتماعی کشور، اختلافات و کشمکشهای حاد درون و بیرون حاکمیت، چرخش بر راست رژیم که باشتاب در نگاه پوی بازسازی مواضع سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در کشورست، سرپوش بگذارد.
تنها رئیس قوه مجریه نیست که از خلا، قانونی می نالد، رئیس قوه قضاییه نیز مانند او بیساری دیگر در حاکمیت جمهوری اسلامی با ایشان همدل و همسخن هستند: "نبودن قانون ریشه اشکالات است" (۲۴ مهر ماه ۶۳، اطلاعات).

صحنه سازی تازه برای توده ای ستیزی و شوروی ستیزی

اخبار رسیده نگرانی آور است. "نامه مردم" در سرمقاله شماره ۲۳، با ارائه فاکت های انکار ناپذیر خبر ادامه محاکمات توده های هاد را در گاه های در بسته و صدور احکام جابرانه، از اعدام تا زندان های دراز مدت را منتشر ساخت. این محاکمات در سراسر کشور و از آنجمله در تهران در محوطه زندان ها از مدت ها پیش شروع شده است. بهمین سبب اعلام آغاز محاکمه اعضای رهبری حزب در روز ۲۱ آبان در زندان اوین، صحنه سازی بشمارمانه ای برای توجیه جنایاتی است که رژیم ج ۱۰ از مدت ها پیش پشت درهای بسته مرتکب می شود.

در اعلامیه کمیته مرکزی بد رستی خاطر نشان می شود: "در باره محاکمه اعضای رهبری حزب توده ایران که مسئولین قضایی با اصطلاح آغاز قریب الوقوع آنرا اعلام کرده اند باید خاطر نشان ساخت که این محاکمه نیز از مدت ها پیش در زندان اوین شروع شده بود و با صدور احکام اعدام عده زیادی از آنان پایان پذیرفته است. ارگان های سرکوبگر نزدیک به دو سال قریبانیان خود را زیر شکنجه های وحشیانه و با بکار گرفتن انواع مواد مخدر تحت فشارهای شدید جسمی و روحی قرار داده بودند، برخلاف سنن رایج از مدت ها پیش احکام اعدام اعضای رهبری حزب توده ایران را کتبا به تک تک آنان سپرده و اصرار داشتند تا این احکام به رویت اعضای خانواده آنان نیز برسد."

مراجعه مکرر خانواده های زندانیان توده ای در دو هفته اخیر - که احکام اعدام اعضای رهبری حزب را شخصاً رویت کرده بودند - به قصد بقیه در صفحه ۲

جانبه ج ۱۰ تمام و کمال باز است. آنها بمنظور کسب سود حداکثر، به میل خود ساعات کار را تعدیل و آهنگ کار را "تشدید" می کنند. کارگری می نویسد: "مسئولین شرکت کفش ملی حدود دو سال است از نظر ساعات کار به ما تحمیل می کنند که در روز حدود ۹/۵ ساعت کار کنیم که ساعت قانونی آن ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه می باشد. در صورت اعتراض کارگران و یا کارمندان تهدید به بقیه در صفحه ۳

ابعاد و علل اخراج کارگران

کارگران ایران در اثر سیاست کارگر ستیز رژیم با انواع فشارها تضيیقات اجتماعی دست بگیرانند. یکی از مظاهر بارز این سیاست اخراج کارگران است.
دست کارفرمایان در تحمیل خواستهای خود به کارگران در پرتو عنایت و حمایت همه

به آن زندانی

در صفحه ۳

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

صحنه سازی تازه برای توده ای ستیزی و شوروی ستیزی

بقیه از صفحه ۱

نجات فرزندان و شوهران و پدران خود، هدف ارگان های سرکوبگر رژیم را از توسل به این عمل ضد انسانی فاش می سازد. این هدف، چنانکه در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است، "تحت فشار روحی قرار دادن نه تنها زندانیان سیاسی، بلکه در عین حال خانواده های آنان نیز بود تا در صورت امکان بدین سان قربانیان رژیم ترور و اختناق را برای حضور در دادگاه نمایشی و اعتراف به گناهان ناکرده آماد سازند".

صحنه سازی نوبتی یا مضمون توده ای ستیزی و شوروی ستیزی در شرایطی آغاز میشود که در نتیجه سیاست ضد ملی و ضد خلقی رژیم، تمام برنامه های اقتصادی و اجتماعی هیئت حاکمه با شکست روبرو شده و ادامه جنگ خانمانسوزی حاصل، تشدید مبارزه در جامعه بر سر نظام اقتصادی و گسسته شدن شیرازه امور در کلیه رشته های فعالیت اقتصادی، مالی، تولید، حمل و نقل و توزیع جامعه را دچار چنان آشفتگی و هرج و مرج کرده که حتی خود رژیم بدان محترف است. تبدیل محاکمات در بسته به محاکمات فرمایشی زمانی آغاز می شود که:

— کمپایی و گرانی مایحتاج عمومی، تورم و بیکاری و بی مسکنی مردم را به ستوه آورده است سیاست اجتماعی دولت در همه زمینه ها — بهداشت، درمان، بیمه های اجتماعی و آموزش به شکست و ناکامی انجامیده است.

— فساد و دزدی میان مقامات عالی رتبه کشوری و لشکری و از آنجمله میان "سپاه پاسداران" "جهاد سازندگی"، "بنیاد مستضعفان" و غیره که فقط گوشه هایی از آن (دو نمونه میلیارد ها ریال سو استفاده در وزارت صنایع و بنیاد مستضعفان)، آنهم بعللی خاص و چه بسا بر خلاف تمایل سران ج.ا.ا. افشا می شود، رژیم را بیش از پیش رسوا و بی اعتبار کرده است.

— علیرغم فشار، ترور و اختناق، زندان شکنجه و کشتار، مبارزات مردم دامنه وسیعتر و اشکال متنوع تر به خود می گیرد و شعارهای آشکار ضد رژیم در خیابان ها طنین انداز است.

نه به میان کشیدن تر "مشکلات به ارزش رسیده از رژیم گذشته"، آنهم شش سال پس از پیروزی انقلاب، در حالی که ج.ا.ا. سالیانه ۲۴ میلیارد دلار از حراج نفت خام درآمد خالص بدست می آورد، برای سرپوش نهادن بر شکست و ناکامی سیاست های اقتصادی و اجتماعی رژیم و نه جنجال بیشرمانه درباره باصطلاح "توطئه براندازی حزب توده ایران"، وارد کردن تهمت "جاسوسی به آن و تشکیل محاکمات و شوهای تلویزیونی به منظور اغفال مردم به ستوه آمده، نتوانست و نمی تواند کسی را فریب دهد.

اینکه ج.ا.ا. را امواج ناخرسندی و آشوب اقتصادی در بر گرفته است، هیئت حاکمه برای منحرف ساختن افکار عمومی بار دیگر به حره رنگ

زده و رسوا شده "خطر کمونیسم" که بارها در تاریخ معاصر ایران و نیز در فاصله همین شش سال اخیر بکار گرفته شده و با شکست مفتضحانه روبرو گردیده متوسل می شود.

سران ج.ا.ا. به عبث می اندیشند که با پراهن اختن دادگاه های فرمایشی و جلب توده ای هایی که طی دو سال آزار زیر شکنجه هب های وحشیانه و ترهق مواد مخدر مسخ شده و در مرز مرگ و زندگی بسر می برند، خواهند توانست خیانت به انقلاب مردمی ایران را پرده پوشی کرده و پایه های لرزان حکومت خود را تحکیم بخشند.

تاریخ جنبش های انقلابی هشتاد سال اخیر به طرز بارزی بشو رسانده که هیچ رژیم خودکامه ای در ایران نتوانسته است خود را از انتقام توده ها در امان نگهدارد. خصلت همه این جنبش ها در هر دوره ای مترقی بود و از آماج های مردمی الهام می گرفت. مبارزه توده های زحمتکش و نیروهای مترقی و دمکراتیک میهن ما هر بار با کودتا های "خزنده" و غیر خزنده سرکوب شده است. کودتا هایی که در آنها نه تنها امپریالیسم و استعمار، بلکه ارتجاع داخلی و از کلان سرمایه — داران و بزرگ مالکان گرفته تا روحانیون مرتجع شرکت داشته اند.

در این دوران هشتاد ساله تنها چهره های درخشانی که در تاریخ ثبت شده اند ملک المتکلمین ها، مدرس ها، علی مسیوها، ستارخان ها، حیدر عموغلی ها، خیابانی ها، الهوتی ها، پسیان ها و در سالهای نزدیک تر ارانی ها، روزبه ها، سیامک ها، ابراهیمی ها، قاضی ها، جزنی ها، حکمت جوها، حنیف نژاد ها، سعید محسن ها، بدیع زادگان ها، سردی ها، پویان ها، تیزابی ها و در سال های بعد از انقلاب گیتا علی شاهی ها، افضلی ها، کبیری ها، عطاریان ها، جهانگیری ها، فرزاد جهاد ها، توماج ها، سعادتی ها، خیابانی ها و صد ها میهن پرست دیگر هستند که اکثریت قاطع آنها نمایندگان زحمتکشان کشور ما بودند.

در جریان همه نهضت های انقلابی هشت دهه اخیر، سرمایه داران و فئودال ها و همدستان روحانی آنها پشت به مردم کردند و در صدد استعمارگران و امپریالیسم قرار گرفتند. کودتای ۲۸ مرداد را بخاطر آوردن بخش عظیمی از سرمایه داران و روحانیون به کودتاجیان تحت رهبری "سیا" پیوستند و صدق را تنها گذاشتند.

نخستین قربانیان کودتای ۲۸ مرداد چه کسانی جز اعضای حزب توده؟ ایران بودند؟

جای شگفتی نیست که در هشت دهه اخیر هیچ سازمان سیاسی بورژوازی که مانند قاریج بعد از باران می رویدند نتوانست در کشور ما کسب اعتبار کند. تنها حزب توده ایران — حزب ضبقه کارگرایان بود که با وجود ضربات سهمگین وارده بر پیکر آن و با وجود اتهامات بیشرمانه که به آن نسبت داده می شد توانست جای خود را در جامعه باز کند و به مثابه یک حزب سیاسی مدافع

استقلال و آزادی و منادی منافع توده های محروم از طرف زحمتکشان و نسل جوان پذیرفته شود.

اینکه حزب توده ایران بعد از هر ضربیه ای نیرومند تر از پیش قد علم کرده و آتی هرچم نبرد علیه امپریالیسم را بر زمین نمی گذارد، نمی تواند کینه حیوانی دشمنان میهن را بر نیانگیزد. علت یورش سببانه به حزب توده ایران طی ۴۳ سال زندگی آن را نیز در همین جا باید جستجو کرد. در این ۴۳ سال ده ها حزب و سازمان سیاسی بورژوازی بوجود آمدند و از بین رفتند. شش سال اخیر غرضه آزمایشی بود برای آن گروه هایی از روحانیت که احزاب خلق مسلمان و جمهوری اسلامی را برای قبضه کردن حاکمیت بوجود آوردند. سرنوشت حزب خلق مسلمان را که دیدیم. و اما سرنوشت حزب جمهوری اسلامی هم که به اعتراف هاشمی رفسنجانی از درون در حال از هم پاشیدن است، جز آن هم نخواهد بود.

تجربه تاریخی نشان داده است که کوشش نیروهای ارتجاعی و حامیان امپریالیستی آنها، برای سرهمبندی سازمانی که بتواند حاکمیت کلان سر — مایه داران و بزرگ مالکان را در ایران تثبیت بخشد بدون استثناء با شکست مواجه گردیده است. از نظر امپریالیسم و ارتجاع داخلی برای حفظ حاکمیت ارتجاع یگانه راه از بین بردن تنها حزب مشکل سیاسی جان گرفته در بدن جامعه، یعنی حزب توده ایران و دیگر سازمان های انقلابی بوده است و خواهد بود. توطئه های رنگارنگ علیه نیروهای انقلابی و در وهله نخست علیه حزب توده ایران نیز فقط از این دیدگاه است که باید ارزیابی شود.

از اینجاست که می بینیم، زمانی ساواک کتاب سیاه "سیر کمونیسم در ایران" را برای خدشه دار کردن وجهه ملی حزب ما تنظیم می کرد و حالا اداره اطلاعات سیاه پاسداران یا مد دیگری از ساواکیها کتاب سیاه "کمونیسم در ایران" را باز بهمان منظور منتشر می سازد.

هدف در هر دو مورد یکی است: در کشور ما هیچ حزب و سازمان مدافع غارتگران (زیر رهپوشی) کسب اعتبار نخواهد کرد، مگر که اعتبار برتر حزب توده ایران را خدشه دار کند، و هیچ سازمانی نخواهد توانست چرخش بسوی امپریالیسم بسرزدگی امپریالیسم آمریکا را توجیه کند و از اتحاد شوروی ناصله بگیرد، مگر آن که به اعتبار برتر اتحاد شوروی در انظار توده ها لطمه وارد کند.

چنین استقلال عمده توده ای ستیزی و شوروی ستیزی که سران ج.ا.ا. با سرهمبندی دادگاه فرمایشی در صدد دامن زدن به آن هستند. طبق اخبار رسیده هیئت حاکمه در صدد است با استفاده از "مدارک" منتشره از طرف سازمان های جاسوسی "سیا" و "انتلیجنت سرویس" با اصطلاح "تجاوزگری" اتحاد شوروی را در دادگاه فرمایشی به "ثبوت" رساند و بدینسان در هم آواز شدن با هارترین جناح امپریالیسم آمریکا "عظوفت" ارتجاعی ترین جناح های امپریالیسم را جلب کند. این همان راهی است که شاه معدوم در پیشتر

ابعاد و علل اخراج کارگران

بقیه از صفحه ۱

اخراج می‌شوند." ابعاد اخراج کارگران آنچنان گسترده است که دست‌اندرکاران رژیم و رسانه‌های مجازینیز قادر به کتمان آن نیستند. اخیراً روزنامه "ج" ۱۰ در مصاحبه‌ای با وزیر کار از جمله می‌نویسد: "تعدادی از کارخانه‌ها که قبلاً زیر نظر بنیاد مستضعفان بوده بتازگی به صاحبان اولیه‌اش مسترد شده که آنها دچار یک سری مشکلاتی از جمله اخراج اعضا، انجمن‌های اسلامی و اقبال مسن به بهانه "استخدام افراد جوان شده‌اند." (ج) ۰۱ مهر ۶۳) آقای سرحدی زاده ناگزیر این واقعیت را تأیید می‌کند اما در توضیح علل و ارائه راه حل آشکارا راه سفسطه‌دیش گرفته و آن را موضوعی مربوط به قوه قضائیه معرفی میکند. وزیر کار در جای دیگر بناچار گوشه‌ای دیگر از پرده سیاست ضد کارگری رژیم را بالا می‌زند و روشن می‌سازد که علت اصلی اخراج کارگران آگاهی و مقاومت آنها در برابر ستم و اجحاف "کارفرمایان"، صاحبان ثروت و سیاست ارتجاعی رژیم است. وی درباره علت اخراج کارگران و ممانعت کارفرما از بازگشت آنها به سرکار می‌گوید: ".... به این علت حکم اخراج را این دادگاه داده است که طرف، وابستگی گروهی داشته و از این قبیل و یا به واسطه تحریک گروهی که تحت تاثیر واقع شده است و شروع به برهم زدن کارخانه کرده است و بعد که دو ماه می‌خواهد به کار برگردد.... مدیر کارخانه اصلا می‌تواند می‌گوید که اگر این فرد بیاید ما فردا دوباره مصیبت داریم."

مصیبتی که وزیر کار در مقام نماینده و سخنگوی "کارفرمایان" به آن تکیه می‌کند در واقع پیکار زحمتکشان علیه تعدی و استثمار معدود صاحب سرمایه است که جز به زور و شوری حد و حصر نمی‌اندیشند و کارگر را به چشم ابزار تأمین مطامع آزمندان خود، ابزاری که باید مطیع مطلق باشد، می‌نگرند.

انتصاب همه کارگران ارتجاعی به سازمانهای سیاسی چپ و مترقی، تلاش ریاکارانه‌ای برای پرده‌پوشی ماهیت ارتجاعی سیاست کارگری است. درست است که کارگران عضو و هوادار سازمان‌های مترقی و دمکراتیک مورد کین و غضب دست‌اندرکاران رژیم واقع شده‌اند اما بسیاری از اعضای انجمن‌های اسلامی و دیگر زحمتکشان مسلمان نیز که وابستگی به سازمان‌های سیاسی ندارند و حتی وزیر کار در "متعهد و مکتبی بودن" آنها تردیدی ندارد قربانی سیاست کارگرسنیز رژیم شده‌اند.

این واقعیت در پرسش روزنامه "ج" ۱۰ از وزیر کار مستتر است: "چرا هنوز برخی از اعضای انجمن‌های اسلامی کارخانجات در شرف اخراج شدن قرار دارند و برای جلوگیری از اخراج کارگران چه برنامه‌هایی در دست تهیه و اقدام دارید؟" پاسخ ایشان به اندازه کافی گویاست:

"انجمن‌های اسلامی در خیلی از زمینه‌ها دخالت می‌کردند.... ولی برای مدیترت مربوطه قابل هضم نبود که این دخالت به چه معناست و برخوردی بوجود می‌آید که منتهی به اخراج می‌شد." پرسش و پاسخ دیگری موضوع را بیشتر روشن می‌سازد: "علت عدم رسیدگی به حوزه‌های اداره کار اصفهان چه می‌باشد که این امر در نهایت منجر به اخراج چند تن از برادران متعهد شده است؟" آقای سرحدی زاده پاسخ می‌دهد: "اداره کار اصفهان و کلا مسائلی که در آنجا هست، یک سری مسائل خاصی است. ما اطلاع داریم که برادران متعهدی اخراج شدند.... من این را تأیید می‌کنم که آن برادرانی که اخراج شدند متعهد بودند."

یکی از وسایل مؤثر جلوگیری از اخراج کارگران پیمان دسته جمعی کار است که رژیم آن را غیر شرعی اعلام کرده است. سرانجام ۱۰ درصد اجرای این سیاست بخایت ارتجاعی و ضد کارگری امتیازاتی را که کارگران، از جمله کارگران شرکت نفت در پرتو پیکار خونین و قربانی‌های فراوان در گذشته در این زمینه کسب کرده بودند طغسی اعلام کرد.

کارگری از شرکت نفت می‌نویسد: "من جز کارگران شرکت نفت هستم و سئوالم از وزیر کار این است که در رژیم سابق نماینده تمام کارگران شرکت نفت سراسر ایران می‌آمدند و در تهران جمع می‌شدند و نمایندگان کارفرمایان نیز می‌آمدند، زیر نظر وزارت کار یک قرارداد دسته جمعی بسته می‌شد و یک مزایایی نیز در شرکت نفت به کارگران داده می‌شد، ولی بعد از انقلاب شرکت نفت آمد و یک طرفه آن قرارداد را بطور کلی کناره‌اشته و هیچ گونه در مورد آن قوانین و مزایای کارگران کاری نمی‌کند. سئوال این است چه وقت به وضع کارگران شرکت نفت در رابطه با مسائل فوق رسیدگی می‌شود؟" وزیر کار پاسخ می‌دهد: "چون آن قراردادها مربوط به گذشته است نمی‌توانیم اعتبار زیادی برایش قائل شویم."

وزیر کار مانند دیگر دست‌اندرکاران رژیم به یک ضابطه و معیار تآخر پای بند نیست. وی قوانین مربوط به گذشته را، اگر متضمن نفعی برای کارگر باشد طغسی اعلام می‌کند و چنانکه بنفع صاحبان ثروت باشد بر رسمیت می‌شناسد. ماده ۳۲ قانون کار رژیم ستمشاهی که حق اخراج یک طرفه کارگر را به کارفرما تفویض می‌کند هنوز به قوت خود باقی است. وزیر کار در این مورد، نظر خود در زمینه بی‌اعتباری قرارداد های مربوط به گذشته را فراموش کرده و می‌گوید: "در ماده ۳۲ قانون کار قدیم به کارفرما اختیار مطلق داده شده که کارگر را اخراج کند. در ابتدای کار بعلمت نبود قانون این ماده که کافی السابق اجرا می‌شد و الان نیز.... اجرا می‌شود."

اخراج کارگران آزاد اندیش و مخالف غارت و فعال‌هایشائی مثنی شروند در ابعاد گسترده جریان دارد. کارگران و زحمتکشان کشور، در این میان سلاحی جز تشکل، اتحاد و مبارزه ندارند. رژیم که اساس سیاست آن را تأمین منافع کلان

به آن زندانی

برای تو این شعر را می‌سرایم
برای توئی که مرا هیچ و هرگز ندیدی
برای توئی که ترا هیچ و هرگز ندیدم
برای توئی که به صد چشم دیگر عزیزی برایم
برای تو این شعر را می‌سرایم.

برای تو محبوس آن تنگ
برای تو العاس مد فون در سنگ
برای تو ای میهن کوچک من
برای تو ای شب چراغ بزرگم
برای تو ای دانه، گلدانه پر بهایم
برای تو این شعر را می‌سرایم.

ترا در چکاچاک اندیشه‌ها می‌شناسم
ترا در نبردت بصد ستم پیشه‌ها می‌شناسم
ترا در صفر رنج و خون ریشه‌ها می‌شناسم
از آن تو باشد سرودم
از آن تو باشد سپاسم
برای تو ای یار خاموش فرخنده رایم
برای تو این شعر را می‌سرایم.

سیاوش کسرائی

۲۲ شهریور ۱۳۶۳

سرمایه‌داران تشکیل می‌دهند نه تنها نمی‌خواهد و نمی‌تواند گامی در جهت برآورد حقوق زحمتکشان بردارد، بلکه خود به اهرم مؤثر علیه آنان بدل شده است. تنها خود کارگران هستند که می‌توانند و باید پاسدار منافع صنفی خویش باشند. در شرایط فعلی موثرترین شیوه مبارزه بهایی اعتصاب است. اعتصابات چند ماه گذشته از جمله اعتصاب گسترده کاناداد رای، زعم، شرکت‌سازان و غیره بیانگر آن است که مقاومت کارگران روز بروز ابعاد گسترده تری بخود می‌گیرد.

در شرایط فعلی مسئولیت سنگین و وظیفه خطیری بدوش کارگران آگاه و پیشرو قرار دارد: وظیفه افشاء ماهیت کارگرسنیز حاکمیت، آگاه ساختن کارگران و تشکل آنها، برآورد اختسار اعتصاب در واحد های تولیدی، هماهنگی اعتصابات کارخانه‌ها و رشته‌های مختلف اقتصاد، تاریخ و تجربیات مبارزات کارگری در سراسر جهان از جمله در کشور خود مان مؤید آن است که حتی ارتجاعی ترین رژیم‌های دیکتاتور در برابر قدرت توفنده اعتصاب یکپارچه کارگران به زانو درآمده و به خواست‌های عادلانه آنان گردن نهاده‌اند. اعتصاب موثرترین حربه پیکار کارگران و زحمتکشان است.

خلاء قانونی؛ لالائی

بقيه از صفحه ۱
 هر سه انقلاب بود چگونه است که انقلاب در مکرانیک افغانستان به ۳۵۰ هزار خانوار روستایی بطور رایگان زمین و امکنات کشاورزی داد و انقلاب نیکار اگوته يك ميليون و هشتصد هزار هکتار زمین تاکنون بین دهقانان بی زمین تقسیم کرده است و ۱۲۰۰۰ دهقان دیگر نیز در روزهای آینده صاحب زمین خواهند شد، دچار خلاء قانونی نشده اند.

علل وعوامل خلاء قانونی

دیگر اینکه علل وعوامل عینی " خلاء قانونی " را بایستی در ماهیت طبقاتی حکام جمهوری اسلامی در بی لیاقتی دولت و اختلافات درون حاکمیت جستجو کرد. حربه فریبکاری " خلاء قانونی " یک روی سکه و بازسازی و گسترش پایگاه های سرمایه داری وابسته به امپریالیسم روی دیگر آنست.

پیروزی انقلاب بدست توانای توده های میلیونی مردم، حاکمیت سیاسی نظام ستشاهی را از سربر قدرت برزبر کشید، حاکمیت سیاسی نوین را جایگزین آن ساخت تا به خواست هایشان جامه عمل پوشانده یحیی مردم می خواستند با تدوین و تصویب قوانین انقلابی سیاست استقلال شکن، آزادی کش و بیدادگر پایان داده شود. یا به دیگر سخن يك تحول بنیادی در سرپای نظام اقتصادی - اجتماعی کشور بوجود آید. روشن است که تحول در نظام اقتصادی - اجتماعی بدون وجود حاکمیت انقلابی و مترقی و حل قاطع مسئله مالکیت بسود اکثریت محروم جامعه امکان پذیر نیست. برای انجام تحول کیفی و انقلابی در جامعه لزوما باید اهرمهای حاکمیت سیاسی در دست نیروهای انقلابی قرار گیرد. نیروهایی که دست رد به سینه هر گونه تسلیم طلبی و سازشکاری با چپاولگران اجتماعی راه رشد سرمایه داری وابسته و قوانین ارتجاعی بگذارد. اگر حاکمیت سیاسی دارای پایگاه و منافع طبقاتی مردمی، برنامه اقتصادی - اجتماعی و قاطعیت انقلابی باشد و در امر اداره و مسازندگی کشور از نیروهای بیکران و آفریننده توده های مردم یاری گیرد، می تواند به خواست های عادلانه مردم پاسخ گوید.

هیچ حاکمیتی بدون گره گدایی مسئله مالکیت پریایه يك دیدگاه و برنامه روشن اقتصادی، در راه آن مجموعه مناسبات تولیدی که باید سرنوشت اقتصاد کشور، شرایط و بهره برداری از نیروهای تولیدی موجود در جامعه را تعیین کند، نمی تواند دست به عمل بزند. در واقع اگره مسئله حاکمیت سیاسی و مالکیت برخورد اصولی و روشهای نشود، همان می شود که در حال حاضر در حاکمیت و جامعه ایران حاکم است. همان میشود که شش سال بعد از انقلاب، هنوز " خلاء قانونی " در اساسی ترین عرصه های زندگی اجتماعی اقتصادی کشور وجود دارد. نتیجه نازبیر این " خلاء قانونی " نیز آن میشود که سخنان ضد و نقیض آقای خمینی سرمنشأ هزار تعبیر و تفسیر و قانون و سیاست گردد.

خلاء قانونی بسود کیست و در کجا عمل می کند؟

نخست وزیر بگونه ای درباره " خلاء قانونی " سخن می گوید که گویی در سال های بعد از انقلاب، هیچ قانون، نوشته یا نوشته ای برزندگی اقتصادی و اجتماعی این کشور فرمانروانوده است. ایشان از این راه می خواهد برحقیقت انکارناپذیر سرپوش بگذارد. کیست که نداند وقتی قوانین مترقی از تصویب نگذشته، قوانین رژیم شاه همچنان عمل کرده و می کنند. " خلاء قانونی " تنها در آنجایی وجود دارد که پای منافع توده های ده ها میلیونی زحمتکششان در میان است. یکبار دیگر به پنج موردی که نخست وزیر نام می برد، توجه کنید: تجارت خارجی، زمین، مالیات ها، مسئله بخش خصوصی مسئله شوراها.

در شرایطی قانون ملی شدن تجارت خارجی و اصلاحات ارضی و ... توسط " شورای نگهبان " و رهبران جمهوری اسلامی بسود کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران وابسته بگوسپرد میشود که تضاد های طبقاتی هر روز زرف تر و زرف تر می گردد. قوانین ارتجاعی و ضد مردمی هر روز عمل می کند و بی عدالتی های اجتماعی ابعاد هر اسنانکی بخود می گیرد. داراها دارا تر و ندارها ندار تر میشوند.

به گفته آقای " صانعی " آن گرانفروشی که ۸۰ میلیون ۹۰ میلیون جنس را گران می فروشند. بعضی ها صدها هزار هکتار زمین دارند. ۰۰۰ گاهی افرادی که ۴ میلیون تومان در آمد حاصل از يك باغ خود دارند و باز هزاران هکتار زمین را طبق مقررات می خواهند از دست کشاورزان بگیرند (اطلاعات، اول، مهرماه ۶۳).

یا به گفته دوزد وزانی، نماینده مجلس رژیم:

شادباش کمیته اجرایی ملی حزب وحدت سوسیالیستی زلاندنو

رفقای عزیز،
 بمناسبت چهل و سومین سالگرد تشکیل حزبتان گرم ترین درود های برادرانه خود را به همه کمونیست های ایران تقدیم می داریم.
 حزب شما بیشتر در دوران فعالیت خود رابسه ناچار در شرایط مبارزه غیر قانونی و سرکوب گردانده است. مردم ایران با سرنگون کردن رژیم شاهنشاهی مرحله امید بخشی را آغاز نهادند. بدبختانه این مرحله بزودی به سرکوبگری و باز داشت بیش از ده هزار توده های انجامید.
 ما از اینراه همبستگی خود را با این زندانیان و همه کمونیستهای ایران ابراز می داریم و اطمینان داریم که حزب شما علیرغم شرایط پس دشوار کنونی به پیکار خود ادامه خواهد داد.
 یکی از عواملی که به این دشواری می افزاید جنگ است، که به زبان د و طرف است، تنها پیشد آوری های ناسیونالیستی را برمی انگیزد و با مصالح کارگران هر دو کشور مغایرت دارد.
 با الهام از انترناسیونالیسم پرولتری به حزب شما درودی فرستیم.
 (دبیر ملی) جی . ای . جکسون

" از مدت ها قبل برگشتن خان ها و فئودال ها و برگرداندن زمین ها یا حکم حتی برخی از مراجع مصادره کننده قبلی به آنان ۰۰۰ لغو مصادره خانه مسکونی سید حسن امامی ملعون، به اصطلاح امام جمعه دربار تهران، و اینکه طی حکمی شش میلیون از حقوق محرومین و مستضعفین و کسوخ نشین های این جامعه بعنوان خسارت اموال به زن وی پرداخته اند، دقیقاً از ناحیه مردم و نما - بندگان زیر سوال است و در دو سه ماه اخیراً ۲ مورد از این قبیل بوده است. " (اطلاعات ۲۵ مهرماه ۶۳).

این کدام " اشخاص " هستند که " در يك سال آنقدر گرانفروشی می کنند " که از در آمد يك کارمند دولت تا ۲۰ نسلش بیشتر است.

" خلاء قانونی " کوبیدن جاده عارت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان بوده و هست. اگر " خلاء قانونی وجود دارد، پس بر پایه کدام قوانین ۱۷۰۰۰ " موافقت اصولی " برای سرمایه گذاری بخش خصوصی صورت می گیرد و نزدیک به ۲۰- صد واردات و ۳۵ میلیارد دلار ارز (فقط در سال ۱۳۶۲) کشور بدست " تجار محترم و متحد سیرده می شود، و آنوقت يك درصد از واردات به بخش تعاونی واگذار میشود. اگر " خلاء قانونی " وجود دارد، پس چرا هر روز بر پایه قوانین کار نظام ستشاهی (از جمله ماده ۳۳) گروه گروه کارگران از کارخانه ها احراج میشوند، و در روستا ها، زمین ها با حکم مراجع مصادره کننده و بسا حمایت ماموران انتظامی به فئودال های فراری بازگردانده میشود. ۰۰۰ هزاران غارتگری و فحایح دیگر در جامعه صورت می گیرد. رئیس دولت " خلاء قانونی " را مطرح می کند تا دولت خود را به مثابه مجری اهداف اقتدار و طبقات حاکم که در حال حاضر به حد متجاوز صادت کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران و قبله بازاری هاتبدیل شده است تطهیر کند. تبعیت دولت از کلان سرمایه داران تا آن پایه است که مثلا بعد از واگذاری خرید و فروش و توزیع برنج به بخش خصوصی، موسوی حتی در مورد کنترل شرکت های بزرگ صاحبان کامیون ها و وانت با رها خود راملزم به توضیح می داند که از این راه هرگونه توهمی را از خاطر " صنف " سرمایه داران بزداید. اومی گوید: " هر موقع اصناف محترم بخواهید این کنترل برداشته خواهد شد. آنچه مهم است عامل اصلی اصناف بخش خصوصی هستند. و دولت به نقضای خود اصناف کمک می کند. " (اطلاعات ۲۱ شهریور ۶۳).

در شرایط کنونی که حاکمیت هیچ سد و مانعی در راه غارتگران هست و نیست مردم قائل نمیشود و دولت خود را پادوی صاحبان ثروت می داند، در شرایط کنونی که خصلت و سمنگیری کلی سیاسی حاکمیت هر روز ارتجاعی تری شود، و در شرایطی که آگاهی و ناخشنودی توده های مردم اوج بیشتری می گیرد باید در پاسخ نخست وزیر و دیگر کسانی که در حاکمیت جمهوری اسلامی بعد از پنج سال و نیم وعده و وعید از " خلاء قانونی " دم می زنند، گفت: مردم دیگر با این لالایی ها به خواب نمی روند.

نامه‌های ارسالی به احزاب، سازمانها و شخصیت‌های بین‌المللی بمناسبت آغاز محاکمات فرمایشی اعضای رهبری حزب توده ایران

به احزاب کمونیستی و کارگری جهان

رفقای عزیز،

رژیم ارتجاعی استبدادی ایران در صدد است از روز ۱۲ نوامبر، عده‌های از اعضای رهبری، کادر های مرکزی حزب را محاکمه کند. این افراد قریب دو سال است که در زندانند و در این مدت، مورد وحشیانه‌ترین فشارها و شکنجه‌های روحی و جسمی قرار داشته‌اند. ارتباط آنها با دنیای خارج از زندان بکلی قطع بوده است. بسیاری از آنها، حتی با نزدیک‌ترین افراد خانواده خود نیز تماس نداشته‌اند. حمله عمومی به حزب توده ایران و دستگیری عده کثیری از رهبران و اعضای آن که در ۶ فوریه ۱۹۸۳ آغاز شد، چرخشی بود در سیاست رهبران جمهوری اسلامی ایران، به راست بسمت ارتجاع و امپریالیسم. گروه روحانیون قشری و مرتجع‌هایی که در بردن از مواضع مکرانیک و ملی و خلقی انقلاب فوریه ۱۹۷۹ را از مدتها پیش آغاز کرده بودند، در ۶ فوریه ۱۹۸۳، با حمله وسیع به حزب توده ایران، گامی بلند و سرنوشت ساز در این راه برداشتند. یورش سببانه به حزب توده ایران، هدیه‌ای بود به ارتجاع داخلی - سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ - و به امپریا - ایسم جهانی که به منافع آن، بعد از انقلاب، ضربات سنگین وارد شده بود. بعد از این حمله سببانه، سیاست رژیم در تمام زمینه‌های حیات داخلی و خارجی، در جهت ارتجاعی تر کردن آن، مورد تجدید نظر قرار گرفت. و این حرکت بسمت راست، تاکنون نیز ادامه دارد.

در زمستان سال ۱۹۸۳ ده نفر از افسران میهن پرست ارتش ایران و دیگر اعضای حزب توده ایران، به حکم یک دادگاه نظامی غیر قانونی انقلاب اسلامی، که در رأس آن یکی از روحانیون قشری و مرتجع قرار داشت، که در عین حال نقش قاضی و دادستان را بازی می‌کرد، اعدام شدند. بعد از این جنایت بزرگ، اکنون سران جمهوری اسلامی به اصلاح محاکمه اعضای رهبری و کادرهای مرکزی

به سازمان همبستگی آسیا و آفریقا

آقایان محترم

دولت جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است که اعضای رهبری حزب توده ایران را که قریب دو سال است، در زندان بسر می‌برند، مورد محاکمه قرار دهد. این افراد در تمام این مدت مورد شدیدترین و وحشیانه‌ترین شکنجه‌های قسری و ستمی بوده‌اند. آنها تندرستی خود را از دست داده و در آستانه مرگ قرار دارند. ولی مقامات جمهوری اسلامی قصد دارند، که آخرین گام را برای نابودی آنان بردارند.

ما اکنون به شما مراجعه می‌کنیم و تقاضا داریم که برای نجات جان اعضای رهبری حزب ما که جز میهن پرستی گناهی نداشته‌اند، از تمام

حزب را آغاز می‌کنند.

محاکمه‌ای که اکنون در تهران انجام می‌گیرد چیزی نیست جز یک خیمه شب بازی مفتضح ضد کمونیستی، که هدف آن نابود کردن گروه‌های یمنی است از اعضای حزب توده ایران. در این محاکمه تمام قوانین و اصول قضایی، اعم از داخلی و بین‌المللی نقض شده است. رژیم جمهوری اسلامی حتی مواد قانون اساسی و سایر قوانینی را که خود مبتکر آنها بوده است، زیر پا گذاشته است. در این دادگاه، متهمان از حق داشتن وکیل محرومند. دادگاه با اینکه سعی کرده‌اند به آن شکل علنی دهند، مخفی است. رئیس دادگاه یک قاضی بیطرف نیست، بلکه مدعی اصلی متهمان است. متهمانی که در برابر دادگاه قرار دارند، بعلاوه شکنجه‌های طولانی جسمی و روحی، در حال عادی نیستند.

رفقای عزیز،

خطر مرگ، زندگی عده‌ای از بهترین فرزندان کشور ما را تهدید می‌کند. نجات این افراد از دست دشمنان جمهوری اسلامی مستلزم اقدام مشترک تمام نیروهای ترقیخواه، صلحجو و دمکرات سراسر جهان است. حزب توده ایران، بعنصوان یکی از گردان‌های جنبش جهانی کمونیستی کارگری در چارچوب انترناسیونالیسم پرولتری، همیشه وظایف خود را تمام و کمال انجام داده است، اکنون از تمام اعضای این خانواده بزرگ طلب می‌کند که به یاری اعضای رهبری و دیگر اعضای حزب ما بشتابند. وقت تنگ است. دشمنان جمهوری اسلامی نشان داده‌اند، که از هیچ جنایتی روگردان نیستند. این تبهکاران را فقط با یک مبارزه مشترک، در مقیاس بین‌المللی می‌توان متوقف کرد و توطئه جدیدشان را عقیم ساخت.

ما در انتظار اقدام عاجل شما هستیم. با سلامهای کمونیستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۱۰ نوامبر ۱۹۸۴

امکانات خود و از ارتباطاتی که در زمینه‌های گوناگون با دولت جمهوری اسلامی ایران دارید استفاده کنید. این یک اقدامی است انساندوستانه، که وظیفه تمام خلقهای جهان و تمام دولت‌ها و مقاماتی است، که به اصول آزادی و حقوق بشر اعتقاد دارند و کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی را در این زمینه‌ها امضاء کرده‌اند و عضویت در سازمان ملل متحد و ارگان‌های وابسته به آن، دفاع از این اصول را بعهده گرفته‌اند. تا در این لحظاتی که خطر یک مرگ حتی جان‌دستان ما را تهدید می‌کند، ما از شما استمداد می‌طلبیم و امید جدی داریم که کمک‌خواهی از شما، بی پاسخ نخواهد ماند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ نوامبر ۱۹۸۴

به شورای جهانی صلح

رفیق عزیز رومش چاند را،

شاید اطلاع داشته باشید که محاکمه‌های از اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران از روز ۱۲ نوامبر در تهران آغاز خواهد شد. تردید نیست که رهبران مرتجع جمهوری اسلامی در تدارک جنایت تازه‌ای هستند. متهمین محاکمه قریب دو سال است که در زندان‌های رژیم اسلامی هستند. روابط آنها در تمام این مدت با جهان خارج قطع بوده است. اینها در تمام این مدت مورد شدیدترین و وحشیانه‌ترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار داشته‌اند. هدف دشمن شکستن اراده آنها بوده است. بسیاری از این زندانیان در این مدت سلامت خود را بکلی از دست داده و در آستانه مرگند. با وجود این رهبران جمهوری اسلامی به توطئه‌های خود علیه آنها و علیه حزب ما ادامه می‌دهند. این دشمنان در چند سال اخیر دهها هزار تن از مردم بی‌گناه ایران را، از زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و دانشجو، نظامی و پیشه‌ور، دهقان و روشنفکر به جوخه‌های اعدام سپرده‌اند. شمار کسانی که در جنگ خانمانسوز میان ایران و عراق از پای درآمدند، به صدها هزار نفر می‌رسد. ولی رهبران جمهوری اسلامی همچنان به جنگ ادامه می‌دهند، و در شرایط کنونی کوچکترین امیدی به پایان جنگ نیست. صدها شهر و دهکده ایران ویران شده‌اند. بیش از سه میلیون آواره جنگی در ایران وجود دارد. بیش از یک سوم بودجه کشور صرف مخارج جنگ میشود. ولی آثانی که در راس جمهوری اسلامی قرار دارند همچنان فریاد می‌زنند: جنگ، جنگ تا پیروزی.

محاکمه اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران قدم تازه‌ایست که سران جمهوری اسلامی در راه تحقق سیاست تبهکارانه خود بر می‌دارند. نباید کردن آنها هدف این توطئه است و این هدیه‌ایست که رژیم به امپریالیسم تقدیم می‌کند تا بتواند با اتکاء به آن بهترین نقشه‌های ضد ملی خود را عملی سازند.

دوست عزیز، چاند را،

از شما خواهش می‌کنیم در مبارزه برای نجات جان رهبران حزب توده ایران بما کمک کنید. سازمان‌های ترقیخواه در سراسر جهان، که باشورای جهانی صلح در ارتباطند، میتوانند در این امر نقش برجسته‌ای داشته باشند. در این زمینه، میتوان مبارزه در راه آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک را با مبارزه در راه ختم جنگ و استقرار صلح توأم کرد. در حقیقت این دو مبارزه، در وری یک مدال را تشکیل می‌دهند. ما مطمئناً شما را مدال از تمام امکانات خود در کمک بما استفاده خواهید کرد.

با سلام‌های گرم

۱۰ نوامبر ۱۹۸۴ کمیته ملی صلح ایران

به قدر اسیون سندیکیابی جهان

دوستان عزیز،

مقامات جمهوری اسلامی اطلاع داده اند که محاکمه اعضای رهبری و کادریهای حزب توده ایران را از ۱۲ نوامبر آغاز خواهد شد. این افراد قریب دو سال است که در زندان های رژیم اسلامی هستند و در این مدت مورد شدیدترین فشارها و شکنجه های قرون وسطایی قرار داشته اند. زندانیان ارتباط زندانیان را با جهان خارج بکلی قطع کرده اند. در زندان آنها را از عادی ترین مسائل زیست و مراقبت های پزشکی محروم کرده اند بطوریکه اکنون بسیاری از زندانیان توده ای و از جمله کارگران و مسئولان سندیکیابی در آستانه مرگ قرار دارند. رژیم جمهوری اسلامی که به دنبال انقلاب فوریه ۱۹۷۹ بر سر کار آمد، در سالهای اخیر، تمام پیمانهای خود را شکسته و بوی پیگیری و سرعت، در راه دگر شدن از هدف های اصلی انقلاب گام برداشته است. در زمینه آزادی های دموکراتیک کار به این رژیم سیاه است. تمام احزاب و مجامع ترقیخواه و دموکراتیک را منحل کرده رهبران و اعضای آن را به زندان انداخته و بسیاری از آنان را تیرباران کرده است. سندیکیابهای کارگری در سراسر کشور غیر قانونی شده اند. حتی شوراهای اسلامی نیز که بنا حق، جای سندیکیابهای کارگری را گرفته بودند، منحل شده اند. مقامات جمهوری اسلامی، کار را با نجا کشیده اند که حتی حاضر به تحمل ارگانها و سازمان های خود ساخته نیز نیستند. بیکاری، تورم، کمبود مواد غذایی و مسائل زندگی، عدم امنیت، نقض مقررات و قوانین حتی مقررات و قوانینی که مبتکران خود رهبران جمهوری اسلامی بوده اند، عشم شدید توده هارا

برانگیخته است. بازار سرمایه داران بزرگ و کلان زمین داران گرم است. آنها به تکیه گاه اصلی سران جمهوری اسلامی تبدیل شده اند. بالعکس طبقات و قشرهای زحمتکش و در درجه اول کارگران که در ساقط کردن رژیم شاهنشاهی، نقش اساسی را بازی کردند، اکنون نیز مانند گذشته، و شاید بیش از گذشته مورد فشار و استعمار قرار دارند.

دوستان عزیز،
اکنون اعضای رهبری حزب توده ایران را محاکمه می کنند. زیرا آنها معتقد بوده اند که انقلاب فوریه ۱۹۷۹ را باید تعمیق کرد و آن را از مرحله یک تحول سیاسی، به یک تحول اجتماعی ارتقاء داد. درست این چیزی است که سران جمهوری اسلامی نمی خواسته اند و بهمین دلیل حزب ما را غیر قانونی کرده، هزارها از اعضای آن را به زندان انداخته و اکنون قصد دارند آنها را پس از یک محاکمه فرمایشی و غیر قانونی، نابود کنند. جان عده ای از فرزندان ترقیخواه، صلحجو و میهن پرست کشور ما در خطر جدیست. ما از سازمان شما که نمایندگی دهها میلیون کارگر جهان را بعهده دارد و سندیکیابهای کارگری ایران نیز سالهاست عضو وفادار آنند طلب می کنیم که برای شروع یک کارزار بزرگ جهانی علیه فجایع رژیم جمهوری اسلامی و نجات جان اعضای رهبری حزب توده ایران اقدام کنند. ما تردید نداریم که اقدام پیگیری شما در این رهگذر، به حفظ جان دوستان زندانی، کمک موثر خواهد کرد. رهبران جمهوری اسلامی، با وجود خشونت و شقاوت خود، نمیتوانند فریاد اعتراض جنبش کارگری جهانی را نشنیده بگیرند. ما در انتظار اقدام سریع شما هستیم.

با سلام های گرم

۱۰ نوامبر ۱۹۸۴ کمیسیون ارتباط سندیکیابی ایران

به بین الملل سوسیالیستی

دوستان عزیز!

مقامات جمهوری اسلامی ایران در صددند، از روز ۱۲ نوامبر، محاکمه عده ای از رهبران و اعضای کادر رهبری حزب توده ایران را آغاز کنند. هدف این محاکمه که برخلاف کلیه اصول و موازین قضایی، و در تعارض با تصریحات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منشور حقوق بشر انجام می شود، نابود کردن عده ای از بهترین فرزندان کشور ماست. متهمین قریب دو سال است که در زندانند. و در این مدت، دائم مورد وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار داشته اند و تخمیناً جمهوری اسلامی، این رژیم استبدادی - قرون وسطایی، اکنون قصد دارند که آخرین گام را بردارند. هدف نابود کردن آنهاست.

به اعتقاد ما دفاع از جان این زندانیان، که تنها گناهشان دفاع از حق، آزادی و عدالت اجتماعی است، وظیفه کد به مردم انسان دوست و سراسر جهان است. ما در همان حال معتقدیم که افشاء جنایات رژیم که مانند طاعونی بجان ملت ایران افتاده است، یک وظیفه عالی انسانی است. تاکنون بیش از دهها هزارتن از فرزندان شایسته ملت ایران، از زن و مرد، پیر و جوان، حاملین عقاید و مذاهب گوناگون بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی تیرباران شده اند. دهها هزارتن در زندانها هستند و وحشیانه ترین شکنجه ها، در زندانهای ایران یک امر عادی است. رهبران جمهوری اسلامی شکنجه را یک وظیفه شرعی و یک امر پرافتخار تلقی می کنند. آنچه امروز در ایران می گذرد، تنها ستم به مردم ایران نیست، بلکه اهانت به مردم سراسر جهان است.

دوستان عزیز

از شما خواهش می کنیم برای نجات جان محاکمه شوندگان بی گناه تهران به ما کمک کنید. با اعزام کارشناسان قضایی و پزشکان به ایران، و با شرکت در محاکمات رسوای فرمایشی دژخیمان رژیم را از یک جنایت فجیع جدید بازدارید. باید با یک مبارزه مشترک، به فاجعه ایران پایان داد. باید نه تنها مردم ایران، بلکه تاریخ، فرهنگ و تمدن کهنسال ایران را از چنگال عده ای بی فرهنگ، نجات داد. پدر و مادران، همسران و کودکان متهمین توده ای در انتظار آغاز یک کارزار وسیع بین المللی برای نجات عزیزان خود هستند. مبارزه برای نجات آنها، یک وظیفه انسان دوستانه بین المللی است.

با احترام ۱۰ نوامبر ۱۹۸۴
کمیته مرکزی حزب توده ایران

به دبیرکل سازمان ملل متحد، آقای پرس دکونیار

نیویورک

بطوریکه اطلاع دارید، از روز ۱۲ نوامبر در تهران، محاکمه عده ای از رهبران و اعضای کادر مرکزی حزب توده ایران آغاز خواهد شد. هدف این محفله سازی رسوا، که در آن بدیهی ترین اصول قضایی زیر پا گذاشته شده است، نابود کردن عده ای از بهترین فرزندان کشور ماست. ما نیازی نمی بینیم که درباره کارنامه سیاه رژیم جمهوری اسلامی، در زمینه آزادی های دموکراتیک و حقوق بشر، به تفصیل صحبت کنیم. در سالهای اخیر، دهها هزارتن از افراد بی گناه در کشور ما، از زن و مرد، پیر و جوان، وابسته به جریانهای گوناگون سیاسی و مذهبی، بدون رعایت هیچیک از موازین قضایی، اعم از داخلی و بین المللی، تیرباران شده اند. در زندانهای رژیم اسلامی، وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی، یک امر کاملاً عادیست. رهبران جمهوری اسلامی کار را به آنجا کشانده اند که به وجود شکنجه زندانها افتخار می کنند و آن را، یک وظیفه شرعی به

شمار می آورند. اکنون که خطر یک مرگ حتمی، جان گروه جدیدی از فرزندان کشور ما را تهدید می کند، ما به شما مراجعه می کنیم و از شما خواهش می کنیم که با اعزام یک هیات مرکب از کارشناسان قضایی و پزشکی به ایران، و با شرکت در جلسات محاکمه، از وقوع یک جنایت قریب الوقوع جدید جلوگیری کنید. سازمان ملل متحد، بعنوان یک مجمع بزرگ جهانی، نباید و نمی تواند درقبال نقض حقوق بشر از جانب رهبران جمهوری اسلامی خاموش بماند، نمی تواند نابودی تدریجی تاریخ، فرهنگ و تمدن کهنسال یک کشور استانی را به بیند و خود را کنار بکشد.

آقای دبیرکل!

ما مطمئنیم که شما کم و بیش از اوضاع ایران با خبر هستید. بهمین دلیل از ورود تفصیلی در حوادث خودداری می کنیم و از شما انتظار کمک فوری داریم.

با احترام

۱۰ نوامبر ۱۹۸۴ کمیته مرکزی حزب توده ایران

به سرکوب خلق کرد

باید پایان داده شود!

به سازمان بین المللی روزنامه نگاران

دوستان عزیز،

رژیم جمهوری اسلامی در تدارک توپخانه جد - یدی بر ضد حزب توده ایران است. محاکمه اعضای رهبری آن، که از فوریه ۱۹۸۳ رزندان هستند، قرار است بزودی آغاز شود. به توجه به شیوه عمل و سوابق رژیم، میتوان مطمئن بود که خطری جدی، جان اعضای رهبری حزب توده - ایران را تهدید می کند. این افراد در دو سالی که در زندان هستند، مورد شدید ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار داشته اند. افرادی که د و سال پیش تند رست و شاداب به زندان افتادند اکنون بر اثر شکنجه مداوم، به انسان های خورد شده های تبدیل شده اند، که بسیاری از آنها در آستانه مرگ قرار دارند. رژیم جمهوری اسلامی تنها دشمن حزب ما نیست. بلکه دشمن تمام احزاب و مجامع ترقیخواه و اصولا دشمن آینده آزادی، ترقی، صلح و هر ایده انسانی و ستانده گی است. این رژیم تاریخ ما، فرهنگ ما، سنت های ملی را همه زیر پا گذاشته است. در ایران اثری از آزادی نیست. تمام احزاب سیاسی د مکرانیک و ترقیخواه منحل شده و سران و اعضا آنها به زندان افتاده و وعده کثیری از آنها اعدام شده اند. تمام روزنامه ها و هفته نامه های آزاد ایران توقیف شده اند. در ایران فقط چهار روزنامه بمبویه وجود دارد که بوسیله عمال رژیم اداره میشوند، و گفتارهای سران آن را، بشکل مشابه، و بصورت مکرر، چاپ می کنند. این روزنامه ها حتی بخود زحمت نمی دهند، که به عناوین مقالات و گزارشهای خبری خود، صورت متنوع بدهند. بطور خلاصه باید گفت که رژیم جمهوری اسلامی، بسیاری از افکار عقاید، شیوه ها و حتی ارکان های قرون وسطایی را احیاء کرده است. بدون مبالغه باید گفت که محاکم جمهوری اسلامی، از محاکم تفتیش عقاید، به مراتب بدترند. این محاکم گاهی در چند ساعت، حکم اعدام صادر می کنند و حکم اعدام بی درنگ اجرا میشود. همین محاکمندی که اکنون قصد دارند اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران را که در میان آنها عده کثیری روزنامه نگار، نویسند و مترجم مانند طبری، بهزادی، مریم فیروز، کبانوری، دانش، اسدی وجود دارند محاکمه کنند.

دوستان عزیز،

شما بخوبی از اوضاع ایران اسلامی باخبرید. ما لازم نمی بینیم در اینجا به تفصیل اوضاع ایران را تشریح کنیم. آنچه اکنون ضرورت عاجل دارد، آغاز یک کارزار بزرگ جهانی برای نجات جان عده های از فرزندان شریف و مبین پرست و آزاد پخواه ایران از مخاطره یک خطر جدی است. شما بعنوان نمایندگان گزارشگران افکار عمومی، می توانید در این رهگذر، بما کمک موثر کنید. اگر همه نیروهای ترقیخواه و دمکرات جهان، بشکل متحد اعلام کنند و فریاد اعتراض بر آورند، حکام مرتجع و قشیری ایران اسلامی نمیتوانند آن را نادید بگیرند. باید در این رهگذر اقدام عاجل کرد. وقت کم و خطر جدیست. و به همین دلیل اقدام شما اهمیت کسب می کند. کمیته مرکزی حزب توده ایران

به فدراسیون جهانی دمکراتیک زنان

دوستان عزیز

توده ایران که اکنون در برابر دادگاه قرار گرفته - اند، اینست که با اقدامات وحشیانه سران رژیم مبارزه کرده اند.

خواهران عزیز

رژیم اسلامی در سالهای اخیر هزارها زن ایرانی را، بجرم دفاع از حقوق قانونی خویش تیر - باران کرده است، شماره زنان بی گناهی که باشکم باردار در برابر جوخه های اعدام قرار گرفته اند بسیار است. پاسداران رژیم اسلامی که خود را پاسداران انقلاب اسلامی می نامند، باد و شیزگان جوان، قبل از اینکه آنها در برابر جوخه های آتش قرار دهند، زنی بعنف می کنند. در نظر آنها، این یک وظیفه اسلامی است، زیرا شرع اعدام و شیزه گان را موعود کرده است.

این وحشیگریهای قرون وسطایی باید پایان پذیرد. باید مردم زحمتکش و صلحجوی ایران را از چنگال دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی نجات داد. در روزهای کنونی آنچه مشخصا مطرح است مبارزه برای نجات جان اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران است. ما از شما خواهش می کنیم که برای شروع یک کارزار بزرگ بین المللی تمام نیروهای خود را بسیج کنید. در این کارزار که تمام سازمانهای ترقیخواه بین - المللی شرکت دارند، سازمان های دمکراتیک زنان می تواند نقش برجسته ای داشته باشند. وقت تنگ است. ما در انتظار اقدامات سریع شما هستیم.

با درود

۱۰ نوامبر ۱۹۸۴ تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

رژیم جمهوری اسلامی که در سالهای اخیر دها هزارتن از زنان و مردان مبین پرست ایران را به جوخه های مرگ سپرده و صد ها هزار تن را به زندانها و شکنجه گاهها فرستاده است در تدارک جنایت جدیدی است. رژیم بران است که از روز ۱۲ نوامبر عده های از اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران را، در برابر یک دادگاه غیرقانونی، که خود را دادگاه انقلاب اسلامی می نامد قرار دهد. در این باصطلاح دادگاه، بدیهی ترین اصول و موازین قضایی، امع ملی و بین المللی، مراعات نمی شود. قضات این دادگاه آخوند های متعصب وقشیری هستند، که از خون ریزی لذت می برند. اینها علائشان داده اند که دشمن صلح، آزادی و ترقی اجتماعی هستند. اینها هستند که از ختم جنگ فلاکتبار ایران و عراق که پنجسال از آغاز آن می گذرد، و صد ها هزار انسان را به گورستان فرستاده است جلوگیری می کنند. همین ها هستند که بنیان اقتصاد ملی، فرهنگ، تاریخ و سنن ملی ما را متزلزل کرده و کشور ما را سالها به عقب رانده اند. به حکم حکام شرع، بیش از نیمی از مردم ایران، یعنی زنان، از ابتدای ترین حقوق انسانی محروم شده اند و محصول مبارزات طولانی آنها، زیر پا گذاشته شده است. زن، در جمهوری اسلامی موجودیست زیر فشار، فاقد حق، و مطرود. او را به جرم نشان دادن روی خود شلاق می زنند. سنگسار کردن او، به عنوان موهوم دیگر، یک وظیفه شرعی" شمرده می شود. گناه رهبران حزب

به انجمن جهانی حقوقدانان دمکرات

که در جمهوری اسلامی، آنچه وجود ندارد قانون است. این رژیم خود را ملزم به رعایت هیچیک از موازین و قوانین داخلی و بین المللی و انجام منشور حقوق بشر نمی داند. منطق این رژیم، منطق شکنجه و اعدام است. این رژیم تاریخ، فرهنگ و شعایر ملی کشور کهنسال ما را زیر پا گذاشته است. این رژیم کشور ما را قرنها به عقب برده است. دادگاههای این رژیم، از دادگاهها، دوران انکیزیسیون به مراتب تبهکارترند.

اکنون که جنایت جدیدی در تهران در دست تکوین است، ما توجه شما را به آن جلب می کنیم، و تقاضای کمک داریم. ما تقاضا داریم که با اعزام هیأتی مرکب از کارشناسان قضایی و پزشکان به ایران، و با شرکت در جلسات باصطلاح محاکمه، از وقوع یک جنایت قریب الوقوع جدی - جلوگیری کنید. ما در انتظار اقدام سریع شما هستیم.

با احترام

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ نوامبر ۱۹۸۴

از روز ۱۲ نوامبر محاکمه جدیدی در تهران آغاز می شود که متهمان آن عده های از رهبران و اعضا کادر مرکزی حزب توده ایران هستند. در این باصطلاح محاکمه، که بدست مراجع قضایی ج ۱۰ تدارک شده است، هدف نابود کردن عده از بهترین فرزندان کشور ما است. در این صحنه سازی رسوا، بدیهی ترین موازین و اصول قضایی پایمال شده است. دژخیمان جمهوری اسلامی، قبل از اینکه قربانیان خود را مورد محاکمه قرار - دهند، قریب د و سال است که آنها را، در سخت ترین شرایط، مورد وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار داده اند. افرادی که اکنون در برابر "دادگاه" ظاهر می شوند، انسانهایی هستند که بر اثر شکنجه های مداوم د و ساله، در مرز مرگ، زندگی قرار دارند.

شما خود در جریان جنایات رژیم جمهوری اسلامی هستید. شما بخوبی می دانید که در سالهای اخیر، دها هزارتن از فرزندان مبین - پرست کشور ما، زن و مرد، پیر و جوان، بدون هیچ گناه اعدام شده اند. شما بخوبی می دانید

پایدار باد همبستگی جهانی با زندانیان توده ای!

از لابلای روزنامه‌ها

آتش فشانی

"فرسودگی شیلنگ آب آتش‌نشانی شاهرود، طبقه دوم ساختمانی را به آتش کشید." (کیهان، ۶۳/۷/۲)

— شد غلامی که آب جوآرد، آب جوآرد و غلام بیسرد!

مرگ نوجوانان

"در سال تحصیلی گذشته ۱۵ دانش‌آموز بین سنین ۵ تا ۱۲ سال و ۱۱۳۹ دانش‌آموز بین سنین ۱۲ تا ۱۹ سال به علت حوادث ترا - فیک جان سپردند." رئیس راهنمایی و رانندگی (کیهان، ۶۳/۶/۳۱)

— لطفاً بفرمایید چند دانش‌آموز بین سنین ۱۲ تا ۱۹ سال در جبهه جنگ کشته شده و چند تن در زندان اوین اعدام شده‌اند؟

گاری به جای کالسکه!

"مادر فرصتی یافته است که فرزندانش را (با چرخ دستی!) به گردش ببرد. البته در اینجا نه از سبزه و چمن خبری است و نه از کالسکه‌های رنگارنگ. اینجا جنوب شهر است و مادران فرزندانشان را با حداقل امکانات رفاهی بزرگ می‌کنند" (کیهان، ۶۳/۶/۳۱)

— چشم شما "حامیان مستضعفان" روشن!

چه کرده‌ایم؟

"اما باید دید برای حفظ سلامت این مردم چه کرده‌ایم؟ آیا زمینه‌های نامساعد ایجاد اختلال در بهداشت و سلامت ساکنین کوچه پس کوچه‌های جنوبی‌ترین نقطه شهر را از بین برده - ایم؟ آیا بچه‌های این شهروندان زخم‌خورد دیگر ناگزیر نیستند توی لجن‌ها و زباله‌ها بازی کنند؟ آیا آب آشامیدنی سالم دارند؟ دکتر و دارو در اختیارشان هست؟ اگر نیست پس باید اذعان کنیم کوتاهی کرده‌ایم." (کیهان، ۶۳/۶/۳۱)

— اختیار دارید، شکسته نفسی می‌فرمایید! دکتر

بقیه از صفحه ۱۱

دعای مادران: پایان جنگ

در روضه خوانی‌های ماه مجرم اسامال، امام حسین فراموش شده بود. هر کس برای شهید خود گریه می‌کرد و به قاتلان شهدا نفرین می‌نمود دعای بیشتر مادران قطع جنگ و آزادی زندانیان سیاسی بود. در یکی از روضه خوانی‌ها زنی که از قصر شیرین آمده بود به زبان کردی شعری خوانده می‌گفت برای آن چهار هزار مادری که در قصر شیرین فرزندان گمشده دارند، گریه کنید. من یکی از آنها هستم. همه کسانی که در مجلس های روضه خوانی شرکت می‌کردند از پایان جنگ سخن می‌گفتند.

و دارو را که پولی کرده‌اید، آب را که گران کرده - اید، بچه‌ها را هم که می‌فرستید جبهه "مین بازی" کنند. دیگر چه کاری خواستید بکنید؟

قهرمان تصادف!

"پل نکا در مسیر جاده مازندران - خرا - سان، طی یک سال شاهد ۳۶۵ تصادف خونین بود." (کیهان، ۶۳/۶/۳۱)

— در جمهوری اسلامی تنها کالای ارزان، جان انسان است.

بیت المال و تقدینگی!

"انقلاب منافع آنها (مستکبران) را در هم ریخت و هزار فامیل سرکوب و خارجیان اخراج شدند و رشته کار را فرزندان ملت به دست گرفتند و بیت المال در اختیار مستضعفین و صاحبان آن‌ها (!) قرار گرفت."

"وجود ۷۰۰ میلیارد تومان نقدینگی در دست بخش خصوصی، تعادل درآمد روستایی و شهری را به طور فاحش به هم زده است. اگر سطح درآمد روستاییان و شهرنشینان متعادل شود به نحو مطلوب می‌توانیم از مهاجرت روستا - بیان به شهرها جلوگیری کنیم" (موسوی نخست وزیر، کیهان، ۶۳/۶/۳۱)

— بیت المال متعلق به مستضعفان است، اما فعلاً خرج جنگ می‌شود، تقدینگی هم مال بخش خصوصی است! خدا عقلی به آقای موسوی بدهد و پولی به روستاییان که دیگر به شهرها مهاجرت نکنند!

مسائل کشور

"رئیس مجلس شورای اسلامی در خانه با اشاره به این که معلمین ما از نظر مادی در طبقه پایین تر از متوسط قرار دارند، از آنان خواست تا با توجه به مسائل کشور، همچنان قانع، صبور و ایثارگرا نه به رسالت عظیم خویش ادامه دهند و اظهار امیدواری کرد که این بردباری و قناعت برای قشرهای دیگر الگو و نمونه باشد. (همانجا).

— یکی از این مسائل سپردن بازگانی خارجی و توزیع داخلی، درست به دست "برادران مؤمن" و متحد بازار" است که این روزها همه برای آن یقه درانی می‌کنند!



پایان معرکه انتخابات

بقیه از صفحه ۱۲

تا سپس ارسال کله به اسرائیل را تا همین کنند. به این ترتیب دیده می‌شود که تنها مسئله انتخاب ریگان یا مندیل در میان نبود. رشته اصلی کار در دست گروه‌های قدرتمند مالی - نظامی صنعتی - نفتی است. خطر عمده برای مردم جهان اینست که امپریالیسم آمریکا هنوز از تکیه بر "موضع قدرت" برای تسلط بر جهان و پیشدستی در استفاده از سلاح هسته‌ای علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نابود ساختن

به فدراسیون جهانی جوانان دمکرات

دوستان عزیز بطوریکه اطلاع دارید از ۱۲ نوامبر محاکمه عده‌ای از اعضای رهبری و کادرهای مرکزی حزب توده ایران، که نزدیک به دو سال است در زندانهای رژیم استبدادی - قرون وسطایی ایران بسر می‌برند، آغاز خواهد شد. در این باصلاح محاکمه مسلم ترین اصول و موازین قضایی، و منشور حقوق بشر زیر پا گذاشته شده است. متهمین دو سال است که زیر وحشیانه ترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار دارند. در تمام این مدت، ارتباط آنها با جهان خارج بکلی قطع بوده است. اعمال شکنجه‌های وحشیانه از یکسو و فقدان مراقبت پزشکی از سوی دیگر، آزار را به آستانه مرگ کشانده است. ولی در تخیمان رژیم باین قانع نیستند. قصد نابود کردن آنها را دارند. محاکمه فرمایشی که در صدد تشکیل آند، بهمین منظور تدارک شده است. برای نجات جان این مردان و زنان شریف و پرهیزگار، باید اقدام کرد. اینها در سراسر زندگی خود در راه ایده‌های والای صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی مبارزه کرده‌اند. این وظیفه تمام نیروهای صلح دوست، آزاد یخواه و مترقی جهان است که در راه نجات جان همزمان ایرانی خود مبارزه کنند.

دوستان عزیز، از شما طلب می‌کنیم که برای نجات جان رهبران حزب توده ایران، تمام نیروهای خود را بسیج کنید و فریاد ملت ستندیده و زخم‌خورد ایران را که زیر فشار استبداد قرون وسطایی دست و پا می‌زند، در جهان منکس کنید. در تخیمان رژیم در سالهای اخیر دهها هزار تن از فرزندان شرافتمند کشور ما را پیر و جوان، زن و مرد، دانشجو و کارگر، دهقان و پیشه‌ور، نظامی و غیرنظامی تیرباران کرده‌اند. صدها هزار نفر از زندانها و شکنجه‌گاهها فرستاده‌اند. اکنون توطئه جدیدی در دست اجراست. فقط با یک کارزار بزرگ جهانی می‌توان این توطئه را برهم زد. از شما طلب می‌کنیم که ما را در این مبارزه یاری دهید.

با د رودهای گرم سازمان جوانان توده ایران

جنبش‌های رهائی بخش ملی در سراسر جهان دست برد نداشته و بر این خیال باطل است که می‌تواند با تکیه بر تروریسم دولتی و توطئه و جنایت و پیشدستی در وارد آوردن ضربه اتمی، چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند. اینست آن چیزی که از تمام نیروهای مترقی جهان و از تمام خلقهای آزادی دوست هشیاری و آمادگی برای مقابله با امپریالیسم را می‌طلبد. تشدید توطئه‌ها علیه نیکارگوئه چند روز پس از انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، بسیار جدی بودن خطر برای تمام خلقهای مستقل و آزادی دوست جهان را نشان می‌دهد.

صحنه سازی تازه برای

بقیه از صفحه ۲

گرفت و پایان آن نیز برای مردم میهن ما روشن است.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، هدف از لجن مان کردن حزب توده ایران و بی اعتبار ساختن اتحاد شوروی، پنهان داشتن دخالت آشکارا ارگان های جاسوسی آمریکا و انگلیس در امور داخلی ایران بود. در این تلاش مذبحخانه نیروهای ارتجاعی از روحانیون تا غیر روحانیون شرکت جستند. گناه سرنگونی دولت مصدق را به حزبی نسبت دادند که در تمام آن دوران گردن نشزیر ساطور بود. چه افسانه های مبتذلی که علیه حزب ما و اتحاد شوروی سرهمبندی نکردند. همه رسانه های گروهی امپریالیستی و ورق پاره های داخلی سپلی از تهمت و افترا به سوی حزب ما و اتحاد شوروی سرازیر کردند. ولی عواقب کودتای ۲۸ مرداد حقانیت حزب ما را بنیوت رساند. خواست ضرورت اتحاد نیروهای ملی و مترقی برای مبارزه با امپریالیسم و در راه تحول بنیادی جامعه که از طرف حزب توده ایران در جامعه مطرح شده بود، جامعه ایران را بیش از پیش بسوی چپ سوق داد. ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر مانند مغناطیس جوانان را جلب کرد.

بعد از پیروزی انقلاب تاریخ دوباره تکرار شد. وجود حزب ما در عرصه مبارزه علنی و برنامه های علمی و عملی آن، جنبش نوینی را در جامعه پایه گذارد. و باز هم لبه تیز حملات متوجه حزب ما شد. باز هم ارگانهای انحصارهای امپریالیستی و مطبوعات داخلی آتش بسوی حزب توده ایران گشودند. آنچه رژیم خودکامه جمهوری اسلامی را به یورش به حزب ما وادار ساخت، روی آوردن دهها هزار زحمتکش و انسان های فهمیده و گل سرسبد جامعه به حزب توده ایران بود. ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی، عداقت ترانزیسیونالیستی و سازماندهی انقلابی حزب ما بود، که کین و نفرت، امپریالیسم و روحانیت مترجع را بر می انگیزد.

به همین سبب بود که برجسب های مبتذل و سیا ساخته "جاسوسی" و "براندازی" بار دیگر بکار گرفته شد. برای اعتبار دادن به حزب جمهوری اسلامی، می بایست حزب توده ایران بی اعتبار شود. برای چرخش بسوی امپریالیسم آمریکا می بایست اتحاد شوروی "بدتر از امپریالیسم" معرفی گردد.

توده های ها را به عنوان "جاسوس" روانه سیاهچال ها و فراموشخانه ها کردند و جاسوس های واقعی آمریکا و انگلیس و عمال شناخته شده ایرانی امپریالیسم را در مقامات حساس جای دادند. ضد انقلاب فراری از آمریکا و اروپای غربی فرا خواندند، اموال مصادره شده را باز پس دادند و زمام اقتصادی کشور را دوباره به آنها سپردند. کمتر کشوری در جهان میتوان سراغ داشت که پس از جنگ جهانی دوم در جبهه نبرد سیاسی در ادوار مختلف به قدر ایران برای آیند مسعا - دتمند خود قربانی داده باشد. در تمام این دوران

اعلامیه کمیته مرکزی

بقیه از صفحه ۱

هدف ارگان های سرکوب و شکنجه از توسل به این عمل ضد انسانی، تحت فشار روحی قرار دادن تنها زندانیان سیاسی، بلکه در عین حال خانول های آنان نیز بود تا در صورت امکان بدینسان قربانیان رژیم ترور و اختناق را برای حضور در دادگاه نمایشی و اعتراف به گناهان ناکرده آماده سازند. این شیوه مطرود از نظر بشریت مترقی، ماهیت رژیم را که ادعای "عدل اسلامی" می کند بیش از پیش فاش می سازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران این عمل ضد بشری ارگان های قضایی را محکوم می کند؛ از همه نیروهای ملی و مترقی و شخصیت های انسان دوست در کشور و سراسر جهان می طلبد تا صدای اعتراض خود را علیه این جنایت در حال تکوین بلند کنند.

محاکمه اعضای رهبری، کادرها و دیگر اعضا و هواداران حزب توده ایران وقتی می تواند مورد پذیرش قرار گیرد که:

۱- گروهی از پزشکان و کارشناسان بیطرف خارجی وضع جسمی و روحی زندانیان سیاسی را مورد معاینه قرار دهند و امکان حضور آنان را در دادگاه تصدیق و اعلام کنند.

۲- هیئت نمایندگی حقوق دانان دموکرات برنده های زندانیان و شیوه های بکارگرفته شده برای اخذ "اعتراف" و از جمله چگونگی صدور احکام اعدام سپرده شده بدست تک تک اعضای رهبری را مورد بررسی قرار دهد.

۳- به زندانیانی که بار دوم پس از صدور احکام اعدامشان می باید در دادگاه فرمایشی علنی شرکت کنند اجازه انتخاب وکیل مدافع از داخل و یا خارج کشور داده شود.

تردید نیست که اگر مسئولین ارگان های قضایی به اتهامات سخنی که به اعضای حزب توده ایران نسبت می دهند پایبند باشند نباید از پذیرفتن این شرایط عمیقاً عادلانه و برحق و انسانی سرباز زنند. عدم پذیرش این شرایط دلیل بارزی اعتباری این صحنه سازی بنام "دادگاه" را به نبوت خواهد رساند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۶ آبان ۱۳۶۳

در ایران درنگ نکرده است.

در این لحظات دشوار ولی افتخار آمیز برای حزب ما، وظیفه کلیه اعضا و هواداران حزب در هر کجا که هستند، در مدرسه و دانشگاه در کارخانه و مزرعه، در داخل و خارج کشور این است که از کلیه امکانات برای افشای ماهیت صحنه سازی های ضد بشری رژیم جاسوسی استفاده کنند. باید به یورش وحشیانه نیروهای ارتجاعی و عوامل داخلی امپریالیسم به حزب پر افتخار ما با تحکیم هرچه بیشتر وحدت و یگانگی حزب و تشدید مبارزه در راه آرمان های مقدس و انسانی پاسخ داد.

سیاه، ماشین تبهکاری هیئت حاکمه برای یک لحظه از حرکت نایستاده و زندان های ایران آنسوی از توده های ها خالی نبوده است.

آدمکشان و شکنجه گران حرفه ای در گذشته و حال رشته حیات ده ها هزار نفر از انقلابیون را زیر شکنجه، برابر جوجه های اعدام و یا روز روشن در خیابان ها بریدند؛ و می برند. در سراسر ایران از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب برآستی "از خون جوانان وطن لاله دمیده"، لاله های نگران بهار آزادی.

ارتجاع ایران که هیچگونه پایگاهی در میان مردم ندارد، هیچگاه بدون توسل به جنایت نتوانسته به زندگی ننگبار خود ادامه دهد. ارتجاع اعم از شاه و اعوان و انصارش و یا جانشینان محم آنها اگر هیچ هنری نداشته اند، در ارتجاع و بکارگیری انواع ابزار شکنجه، قتل گوی سبقت رادر تاریخ جهان از همفکران و هم مسلکان خود، دزدان تاجدار و آخوند های در خدمت سیم و زر سایر کشورها ربوده اند. طناب انداختن، شمش آجین کردن، زبان بریدن، دهان دوختن، زنده بخاک سپردن، سرپ در گلو ریختن، چشم درآوردن شقه کردن، سرنگون آویختن، قلب از سینه بیرون کشیدن، سربریدن و آنرا به مادران داغ دیده تسلیم کردن، استفاده از تخت خواب برقی و دستگاه آپولو، و بالاخره تزریق مواد مخدر روانگردان، همه و همه بکار گرفته شده و می شود تا زبان های حق گورا قطع کنند، روح آزادی خواهی رادر خلق بکشند، حق اندیشیدن آزاد را از انسان ها سلب کنند.

سران مترجع جمهوری اسلامی می توانند بسا گذاردن پا در جای پای رژیم شاه، اعضای حزب توده ایران را در فراموشخانه ها ببوسانند، سر به نیست کنند، آنان را به جوخه های اعدام بپسارند، می توانند با توسل به شیوه های ضد بشری روان گردانی آنها را به "اعتراف" به گناهان ناکرده وادار کنند، اما نمی توانند مادران ایران را از زادن فرزندان قهرمانی چون ارانی و روزبه، تیزابی و وارطان، افضلی و جهانگیرها بازدارند. بگذر توده های ها را می توان لنگ مال کرد، اما نمی توان ریشه کن ساخت.

رنگار مسلسل می تواند مبارزان را درو کند و پنجه شوم شکنجه گران می تواند انسانها را نابود سازد، اما هیچ چیز موج حمله بردار اهریمنی حامیان کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان و امپریالیسم را نمی تواند متوقف سازد. زیرا اندیشه را نمی توان کشت. بذری که حزب ما در جامعه پراکنده با وجود یورش ددمنشانه از هم اکنون به شمر نشسته است.

حزب توده ایران اقتحار می کند که در پیکار بر ضد استبداد و خودکامگی و ساختن ایرانی آزاد و آباد و مستقل همیشه در نخستین رده مبارزان جای داشته و با آن که همیشه دشمن آتش خود را به روی صفوف مترکز و مترکمان کشیده است، از شدت وحدت نبرد برای درهم شکستن استبداد و ارتجاع هرگز نکاسته و یک لحظه از پیشروی و جانبازی برای برافراشتن درفش آزادی

تشنج بین‌المللی و کشورهای در حال رشد

یکی از خصایص عمده دوران معاصر افزایش نقش کشورهای از بند رسته آسیای، آفریقا-بی و آمریکای لاتین در دفاع از صلح جهانی، تحدید مسابقه تسلیحاتی و تشنج زدایی بین-المللی است. بی دلیل نیست که امروزه نظریه-پردازان سرمایه‌داری و "متفکران" ملهم از آنان در کشورهای "جهان سوم" می‌کوشند این نظریه ارتجاعی را بکرسی بنشانند که: "موضوع حفظ صلح بین‌المللی و مسابقه تسلیحاتی مربوط به قدرت‌های بزرگ" است و "ملل ضعیف" را با این مسایل کاری نیست و یا اینکه ابرقدرتها در بند وست کامل بایکدی یگرند، خطر جنگ افسانه‌ای بیش نیست و کشورهای "جهان سوم" نباید خود را وارد اینگونه معادلات سیاسی نمایند.

هدف از این تبلیغات زهرآگین امپریالیستی از یکسو ایجاد تفرقه در میان صفوف کشورهای در حال رشد، بازداشتن آنها از مبارزه فعال در راه تشنج زدایی بین‌المللی و نهایتاً تضعیف سپاه صلح جهانی است، و از سوی دیگر لاپوشانی دست‌اندرتپای تجار و زرگران امپریالیستی با سرکردگی امپریالیسم آمریکا، کشورهای در حال رشد و جنبش‌های رهایی بخش ملی.

مقاله زیرین بقلم پروفیسور کارن پروتنتس به توضیح اهمیت و نقش کشورهای در حال رشد در نبرد سرنوشت ساز جنگ و صلح در عرصه بین‌المللی اختصاص دارد.

کشورهای در حال رشد، در راه دشوار غلبه بر عقب ماندگی‌های اقتصادی نیازمند به همکاری برابر حقوق در عرصه بین‌المللی و برقراری جوی صلح آمیزند.

بسیاری از این کشورها، تحکیم پایه‌های استقلال خود را در گرو مناسبات با کشورهای سوسیالیستی می‌جویند. برپایه همین ضرورت است که اتحاد شوروی با بسیاری از کشورهای اروپای شرقی ارتباطی براساس سود متقابل، احترام عمیق به حاکمیت ملی آنها و عدم مداخله در امور داخلی‌شان برقرار می‌کند.

سیاست "چماق بزرگ"

کشورهای امپریالیستی در برخورد با کشورهای نواستقلال سیاست‌های گوناگونی را تعقیب می‌کنند. در حال حاضر یکی از اجزای مهم سیاست ایالات متحده در برخورد با اینگونه کشورها، موضعگیری خشن در مناسبات بین‌المللی است. هم‌اکنون ایالات متحده آمریکا فعالانه با سیاست چماق بزرگ خود در عرصه بین‌المللی عرض‌اندام می‌کند. تهدید روز افزونی از جانب کشورهای امپریالیستی، متوجه کشورهای در حال رشد است. همکاری گسترده با توسعه طلبان اسرائیلی، تهدید حاکمیت ملی لیبی، کمک بیدریغ به گروه‌های دست‌نشانده در آنگولا، سازماندهی تجاوز خشن به نیکاراگوئه، مداخله بیش‌رمانه در السالوادور، تلاش در تشدید جنگ اعلان نشده علیه خلق افغانستان

حمایت از ضد انقلابیون کامپوچیا، پشتیبانی فعال از تجزیه طلبان در برخی از ایالت‌های هندوستان اقداماتی به منظور جلوگیری از استقلال‌نامی‌ها - همگی، نمایانگر ابعاد وسیع سیاست کنونی واشنگتن است.

دستگاه دولتی ریگان، استراتژی منطقه‌ای خود را برای دیکته کردن خیاست و اراده‌ها ش به کشورهای در حال رشد، سودمند تشخیص داد است. اساس سیاست آمریکا در مورد کشورهای در حال رشد این است که آنها را به "میدان نبرد میان" وارد نگاه امپریالیسم و سوسیالیسم تبدیل کند. عبارت دیگر، واشنگتن تبلیغات ضد شوروی را پوششی برای اجرای طرح‌های نواستعمار ریش در آسیا، آفریقا، آمریکا لاتین و براندازی رژیم‌های "نامطلوب" در برخی از کشورهای در حال رشد، قرار داده است.

دستگاه حکومتی ریگان، همچنین با برچسب زنی بر جنبش‌های رهایی بخش ملی می‌کوشد آنها را نتیجه "فعالیت‌های مخرب" اتحاد شوروی معرفی نماید. در کنار این سیاست عمومی در برخورد با کشورهای روه رشد، کاخ سفید توجه خود را به عرصه‌های نظامی نیز معطوف می‌دارد. در این زمینه سیاست کنونی ایالات متحده عبارتست از گسترش حضور نیروهای آمریکایی در این مناطق و دامن زدن به نظامیگری. پیرو همین سیاست، ایالات متحده آمریکا موفق شده است، از طریق ایجاد دژهای نظامی پایگاه‌های تجاوز و گسیل کارشناسان نظامی، بار دیگر راه بازگشت خود را به ۸ کشور عربی که مدت‌ها پیش ناچار به ترک آن مناطق شده بود، هموار سازد.

ایالات متحده آمریکا، پایگاه‌هایی در کنیا و سومالی دایر نموده است. کار ایجاد و گسترش پایگاه‌های نظامی در جزیره دیکوگاریا، به منظور استقرار زیر دریایی‌های هسته‌ای، ناوهای هواپیمابر و بمب افکن استراتژیک ب-۵۲ در این نقاط، ادامه دارد. امپریالیسم آمریکا اعتراضات برحق دولت مستقل موریتانی بر اعاده اختیارات قانونی خود در این جزیره را نادیده می‌گیرد.

اخیراً ستاد ی بنام "فرماندهی مرکزی ژوایالات متحده آمریکا به منظور هدایت عملیات نیروهای مداخله سریع در منطقه خلیج فارس، شرق آفریقا و آسیای جنوب شرقی ایجاد شده است. طبیعتاً این مسئله موجب نگرانی بسیاری از دولت‌های مستقلی می‌گردد که در محدوده عملیات ایمن پیمان تجاوزگر قرار دارند. همچنین، ساختمان پایگاه‌های جدید آمریکایی در حوضه کارائیب واقع در آمریکا مرکزی پایان رسیده است.

در ورطه مسابقه تسلیحاتی

وختامت اوضاع بین‌المللی، بگونه‌ای جدی بر درونای رشد اقتصادی کشورهای از بند رسته سایه می‌افکند. مسابقه تسلیحاتی مبالغه‌هنگفتی از سرمایه این کشورها را که باید به جبران عقب ماندگی‌های اقتصادی - اجتماعی اختصاص یابد

می‌بلعد. موضعگیری کشورهای امپریالیستی، مانع تحقق یافتن طرح‌های اتحاد شوروی، دایر بر استفاده صحیح از سرمایه حاصل از تحدید مسابقه تسلیحاتی - جهت رفع عقب ماندگی کشورهای در حال رشد - می‌گردد.

علاوه بر این، سیاست امپریالیسم آمریکا کما - نند کشورهای در حال رشد به ورطه مسابقه تسلیحاتی است. طبق آمار در بیرخانه اونکتا (کمیت توسعه و ترمیم بازگانی سازمان ملل متحد) طی سالهای ۸۱ - ۱۹۷۲ هزینه‌های نظامی کشورهای در حال رشد بالغ بر ۱۵۰٪ افزایش یافته است، که این میزان در طی همین سالها، نسبت به مخارج نظامی سایر کشورهای جهان از ۱۰٪ به ۱۹٪ بالغ گردیده است.

استراتژی دامن زدن به تشنج و فروزان نگاه داشتن آن در مناطق گوناگون جهان - از آسیای جنوب شرقی تا آمریکای مرکزی از افغانستان تا آفریقای جنوبی - شالوده تلاش‌های آمریکا برای تشدید و خامت اوضاع بین‌المللی است. بخش عمده‌ای از ماده محترقه این تشنج روز افزون در کشورهای در حال رشد متمرکز شده است. این مسئله بنوع خود موجب گسترش مسابقه تسلیحاتی در این کشورها می‌گردد. همانگونه که بر همگان روشن است، امروزه بحنوان مثال خاورمیانه به یکی از بزرگترین مناطق تمرکز تسلیحاتی در جهان تبدیل شده است. اولین مسئله بویژه نتیجه سیاست توسعه طلبانه اسرائیل در سایه پشتیبانی‌های ایالات متحده آمریکا است. ایالات متحده سالیان مدیدی است که هرگونه ابتکار اصولی و جامعه‌ای را برای دستیابی به توافق صلحجویانه در خاورمیانه رد می‌کند. امپریالیسم آمریکا همچنین با موضعگیری منفی در قبال طرح‌های اتحاد شوروی بمنظور جستجوی یک راه حل صلح آمیز جهت پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی در این منطقه، دستیابی به توافق عمومی در خاور میانه را ناممکن ساخته است. بعلاوه، ایالات متحده آمریکا هنوز هم سخاوتمندانه تسلیحات تجار و زرگران را تأمین می‌کند.

تاکید بر نظامی‌گری و کوشش برای تبدیل کشورهای در حال رشد به "میدان نبرد کشورهای عضو پیمان ناتو و ورشو هدف دیگری را نیز دنبال می‌کند. امپریالیسم با کوشش بر طبل جنگ و براره انداختن کارزار تبلیغاتی ضد شوروی، راهی می‌جوید تا کشورهای در حال رشد را وادار به برقراری روابط "منصفانه" اقتصادی با اردوگاه امپریالیسم سازد. تصادفی نیست که دولت ریگان راه تشنج فزایی و حالت تهاجمی منفی و غیر سازنده‌ای را در مناسبات اقتصادی بین‌المللی در پیش گرفته است. وختامت کنونی اوضاع بین‌المللی که زائیده سیاست تشنج آفرینی و مسابقه افسارگسیخته تسلیحاتی امپریالیسم است صد‌ها ای‌ج‌دی به منافع کشورهای در حال رشد ... وارد می‌آورد.

وظیفه اصلی

اندیشه حاکم در اغلب کشورهای در حال رشد این است که امر جنگ و صلح، مسئله اصلی این بقیه در صفحه ۱۱

خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

از وقایع معمولی در آموزش و پرورش

در آغاز سال تحصیلی جاری، آموزش و پرورش منطقه ۶ به محل دبیرستان پسرانه جاویدان واقع در خیابان صبا (نزدیکی چهارراه انقلاب) نقل مکان یافت. بین سپاه و منطقه ۶ بر سر تصرف این دبیرستان درگیری وجود داشت. سرانجام سپاه در محل آموزش و پرورش و آموزش و پرورش در محل یادشده مستقر شد. در این میان فقط سر دانش آموزان بی کلاه ماند.

مسئولین امر رشته ریاضی را در این دبیرستان منحل کردند و بقیه دانش آموزان را به دبستان "شهید مطهری" واقع در تقاطع تخت جمشید و ولی عصر منتقل کردند. کلاس‌های این مدرسه کوچک است و عده دانش آموزان زیاد. دانش آموزان رشته ریاضی نیز به هر جا که مراجعه می کنند با وجودی که معرفی نامه دارند، از ثبت نام آنها خودداری می شود.

زخمی‌های هفته جنگ

در "هفته جنگ" همه جا سخن از قطع جنگ بود. مردم در صف مرغ و گوشت و نان و کبریت و روغن و ... با حالتی اعتراض آمیز لزوم پایان دادن به جنگ را مطرح می کردند. در "هفته جنگ" هیچ خبری از پوستره‌های رنگارنگ و تزئین خیابان‌ها و برنامه‌های مختلف نبود. رژیم می دانست که حناپوش رنگی ندارد. فقط در "مهلائی تهران، تعدادی از خانواده شهدا، پاسداران کمیته چی ها و دیگر عوامل رژیم به مناسبت "هفته جنگ" رفت و آمد می کردند و عصرها صدای تیراندازی نمایش "فتح جزیره مجنون" به گوش می رسید که موجب زخمی شدن عده‌ای از مردم بیگناه، منجمله در تهران پارس و خیابان میرداماد شد. مرد عادی در این مراسم بهیچ وجه شرکت نکردند.

بچه‌های ماه محرم

مسئولین امور تربیتی و حزب جمهوری اسلامی در مدارس در ماه محرم هر روز، بچه‌ها را به سینه زنی و نوحه سرایی و ... داشتند. با این که وزیر تذکر داد که بچه‌ها را از درس محروم نکنند. کسی گوشش بد هکار نبود. در بیشتر مدرسه‌ها روزی یک ساعت و گاهی بیشتر، بچه‌ها از کلاس‌ها بیرون کشیده شده و به روضه خوانی برده می شدند. هم پسرها و هم دخترها. بطور کلی می‌شود گفت که مدارس متوقف و لوق بود. بقیه در صفحه ۸

مالیات پررویی و وقاحت

قیمت اجناس و کالاهای مورد نیاز مردم نسبت به سال‌های پیش تا چند برابر افزایش یافته است و اگر هزینه سرسام آور مسکن را هم به این لیست اضافه کنیم و اوایل می‌شود ...

اینها واقعیاتی است که در جامعه ما وجود دارد. و ناشی از آنست که پای دولت ج ۱۰ توی پوست گرد و گیر کرده و برای نجات از بحران اقتصادی، که عمدتاً نتیجه جنگ خانمانسوزیانه هزینه روزانه بالغ بر ۲۲۲ میلیون تومان، بازگذاشتن دست‌انگشتگران در غارت مردم و سپردن سرویس‌های دولتی به مشت‌اشخاص سودجو رشوه خوار و اختلاس‌گراست که به عناوین مختلف مردم را سرکشی می‌کند. زحمتکشانشان کشور که زیر بار سنگین مالیات‌های کمر شکن مستقیم و غیر مستقیم تا کمر خم شده‌اند و قادر به تأمین معاش خود نیستند، حق دارند بپرسند که آخر طبق چیه ضوابطی مسئولین ج ۱۰ به خود اجازه می‌دهند این چنین گستاخانه و با وقاحت به چپاول مردم مهربان دازند، در حالیکه اصل پنجاه و یکم قانون اساسی تاکید دارد که "هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون ... اما مگر قانونی هم در ج ۱۰ وجود دارد؟

(اطلاعات ۲۲ مهر ماه ۱۳۶۳)

هر ماه در اغلب سازمان‌ها و ادارات دولتی و کارخانجات یک روز از حقوق کارگران را برای "کمک به جیبه" کسر می‌کنند.

مسئولین مساجد و حسینیه‌ها با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم دائماً آنها را سرکشی می‌کنند.

انجمن‌های اولیا و مربیان دانش آموزان تا آنجا که تیغشان ببرد جیب زحمتکشانش را خالی می‌کنند.

خیزند و این نکات را در صدخواست‌های بین‌المللی خود قرار می‌دهند.

این موضعگیری آشکار ضد امپریالیستی بر سر مسئله جنگ و صلح در اوضاع خطرناک کنونی بین‌المللی با استقبال گرم همه علاقه‌مندان به امنیت پایدار جهانی، مواجه شده است. در این حال اهمیت ویژه مسئله در اینجاست که با درک اوضاع کنونی، این موضعگیری موج سیاسی نیرومندی بدنبال خود برمی‌انگیزد که عبارتست از شرکت بیش از پیش هر کشور، هر ملت و هر حزب سیاسی در مبارزه مشترک با خطر جلوگیری از جنگ.

بدون شك، کشورهای در حال رشد توانایی شرکت گسترده در دفاع از صلح در مبارزه علیه مسابقه تسلیحاتی و برضد سیاست تجارزگراانه امپریالیسم را دارند.

توسلی، شهردار تهران می‌گوید: "مخارج آسفالت، لکه‌گیری، بی‌زمان ترافیک و دیگر امور مربوط به رفت و آمد، تومبیل‌ها حد و ۷۰۰ میلیون تومان در سال است که شرعاً و عرفاً این مبلغ می‌بایست از طرف استفاده‌کنندگان آن پرداخت شود" (اطلاعات ۱۱ مهر ماه ۱۳۶۳). ناطق نوری وزیر کشور می‌گوید: "یکی از منابع درآمد راهنمایی و رانندگی (این) است که در سال گذشته ۳۹۹۵۰۰۰۰ (این) جریمه داده است و پولی که گرفته شده رقم بسیار بالایی است" (کیهان ۲۵ مرداد ۱۳۶۳).

رضوی نماینده تبریز در مجلس می‌گوید: "هزینه سوسید امروز ۱۵ میلیارد تومان برآورد شده که اگر این ۱۵ میلیارد تومان را به دریا بریزیم به مردم کمک نکنیم برای آیند اقتصاد کشور بهتر است" (وی ۰۰۰ سوسید روغن نباتی را ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان اعلام داشت و افزود: اگر سوسید حذف شود در ماه برای هر خانواده ۵ نفری ۱۴ تومان ضرر دارد. مردم ما حاضر هستند این ضرر کوچک را تحمل کنند" (اطلاعات ۲۱ مهر ۱۳۶۳).

دبیرکل جمعیت هلال احمر ج ۱۰ می‌گوید: "از آغاز جنگ تا کنون کمک‌های نقدی مردم (به جمعیت هلال احمر) به بیش از شصصد میلیون رسیده است" (اطلاعات ۹ مرداد ۱۳۶۳).

بانکی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه بودجه می‌گوید:

"با توجه به این که ما می‌دانیم اعتبارات آموزش و پرورش ۴۳ میلیون تومان است و سال دیگر این مبلغ به ۴۵ میلیارد تومان خواهد رسید، که باز هم کم خواهد بود، حتماً بایستی مقدار زیادی از این اعتبارات را برعهده مردم بگذاریم" (—

تشنج بین‌المللی و کشورهای

بقیه از صفحه ۱۰

کشورها نیست، بلکه مربوط به کشورهای پیشرفته و یا حتی منحصرمربوط به "قدرت‌های بزرگ" است.

در حال حاضر تحول در موضعگیری سیاست خارجی کشورهای در حال رشد - بعلاوه ارتقاء سطح آگاهی توده‌های مردم و حکومت‌های این کشورها - که حاوی نکات مثبت و برجسته‌ای است، سیاست تجلوزکارانه امپریالیسم را مستقیماً متوجه کشورهای ازبند رسته نموده است. امروزه کشورهای نو استقلال، آشکارا بر سر مسایلی نظیر جنگ، صلح و خلع سلاح با امپریالیسمه مقابله برمی -

جنگ عامل اصلی بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان، بیکاری روزافزون، گرانی، آوارگی و بی‌خانمانی است!

رویدادهای جهان

پایان معرکه انتخابات در آمریکا

هفته گذشته انتخابات در آمریکا با گزینش مجدد ریگان به این مقام تا سال ۱۹۸۸ پایان رسید. از ۱۷۴ میلیون رای دهنده آمریکایی ۹۲ میلیون تن در انتخابات شرکت کردند و ۸۲ میلیون تن یعنی ۴۷ درصد نتوانستند ویا نخواستند آرا خود را به صندوق‌های رای بریزند. برای بخش عمده آنها یعنی ۱۴ میلیون نفر که از فقیران و سیاه پوستان و دیگر نژادهای "پست" هستند د مکرسی آمریکایی ترتیبی داد که اصولاً نتوانند بعنوان رای دهنده ثبت نام کنند و ۱۸ میلیون بقیه هم که دیگری برده اند تفاوت میان حزب جمهوری خواه و حزب دمکرات فرق میان کولا و پپسی کولاست، انجام کارهای مهم روزانه را به شرکت در انتخابات ترجیح دادند. بطوریکه ریگان با آوردن ۴۳ میلیون رای و ۹۰٪ آرا در واقع با رای ۳۰٪ یعنی کمتر از یک سوم کل رای دهنده‌گان انتخاب شد. البته در آمریکا از سالها پیش وضع بهمین گونه بوده است. در سال ۱۹۷۶ جیمی کارتر با ۲۸ درصد آرا دارندگان حق رای انتخاب شد و چهار سال بعد رونالد ریگان ۲۶ درصد آرا را کسب کرد. با اینهمه مشاهده می شود که این بار علیرغم سیاست خطر ناک برای صلح و امنیت بین المللی ریگان موفقیت خود را در میان قشرهای متوسط و مرفه و کسانیکه دچار وطن پرستی کاذب بد نیال تجاوزبیشرمانه به گزندای کوچک و سودای خام تسلط بر جهان با توسل به جنگ اتمی شده اند تحکیم کرده است.

این بار در انتخابات آمریکا مسائل اجتماعی و اقتصادی جایی نداشت و انتخابات تبدیل به نوعی همه پرسی در مورد شخص ریگان شده بود. روزنامه نیویورک تایمز در ارتباط با کسانی که گول تبلیغات توخالی و پوزر و برق تلویزیونی، از جمله سخن رانی نهایی ۲۲ دقیقه‌ای ریگان، که به بهای پراخت ۷۵۰ هزار دلار توسط چند شرکت تلویزیونی بخش شد را خورده بودند با نگرانی یاد آور شد که "دنیای تلویزیون دنیای خیالات خام است و آنچه که اینک انتخاب کنندگان می شنوند و می بینند همه این وعده ها در مورد صلح و شکوفایی درست آن چیزهایی است که در چهار سال آینده خیلی کم دریافت خواهند کرد."

سیاست انتخاباتی در آمریکا پوششی است برای دیکتاتوری انحصارات بزرگ سرمایه داری. در انتخابات پارلمان و ریاست جمهوری در آمریکا عملاً تنها دو حزب بزرگ بورژوازی می توانند شرکت کنند. این دو حزب بیانگر منافع گروههای سرمایه داری بزرگ هستند. ترکیب کنگره آمریکا از شخصیت های بسیار ثروتمند است و پدین جهت

مردم آمریکا مجلس خود را "کلب سرمایه داران" می نامند. پیروزی در انتخابات از جانب هر یک از دو حزب که باشد، پوششی است برای دیکتاتوری انحصارات سرمایه داری در آمریکا.

انتخابات به شیوه آمریکایی قدرت سیاسی را برای طبقات بهره کش تا مین می کند. بدون شک پشت سر احزاب دمکرات و جمهوریخواه گروههای مالی - صنعتی انحصاری قرار گرفته اند که چه بسا بخاطر منافع روز خود از این یا آن حزب پشتیبانی می کنند و پس از انتخابات برای تحصیل اراده خود بر دولت با هم متحد می شوند.

اخیرا فهرستی از منابع کیسیون انتخاباتی فدرال بدست آمده که نمایندگان "سلطان" های صنعتی - مالی - نفتی اعلام کرده بودند که هزینه های انتخاباتی حزب جمهوریخواه را خواهند پرداخت. اسامی برخی از آنها بقرار زیر است: "جیس مانهاتان بانک" و دیگر شعبات امپراتوری راکفلر، "مرگان گارانتی تراست"، "لاکهد میسا - یل اند اسپیس"، "هیوز ایر کرافت"، "مک دونالد دوگلاس ایر کرافت"، "جنرال دینامیکس"، "آی. بی. ام"، "دوپین کیمیکل"، "کاتر پیلار"، "کایزر آلومینیم" و کمپانیهای نفتی "استاندارد اویل"، "مسا پترولیم"، "اکسن"، "موبیل اویل" و بسیاری دیگر.

مجله "یونایتد استیتس نیوز اند ورلدرپورتر" اسامی پنج شرکت بزرگ را که برای پنتاگون کار می کنند و هر سال دهها میلیارد دلار سفارش دریا - فت می کنند، منتشر کرد. اسامی آنها هم در فهرست بالا وجود دارد. همچنین این نشریه اسامی ۲۰ تن از سناتورها و نمایندگان کنگره را منتشر کرده که ثروت شخصی و درآمد سالیانه شان بین ۱۵ تا ۳۰ میلیون دلار است.

"لیسم" یکی دیگر از اشکال گرداندن چیزهای حکومت بسود انحصارات در آمریکا است. گروه عظیمی از کارچاق کنها در واشینگتن شب و روز مشغول رشوه دادن و خریدن قانونگذاران و گرداندگان قوه مجریه هستند. مثلا اکنون که سیاست بی بند و بار تسلیحاتی تحقق می یابد که حدود ۳۰۰ میلیارد دلار هزینه بر می دارد میرا رشوههایی که این کارچاق کنهای شرکتیهای مختلف می پردازند، سالیانه از ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار است.

خود پنتاگون پیوسته ۳۰۰ کارچاق کن در واشینگتن دارد که برای نگهداری از آنان سالیانه ۷ میلیون دلار خرج می کند. صهیونیستها هم کارچاق کنهای خود را دارند که هزینه های هنگفتی برای انتخاب نمایندگان متحمل میشوند. بقیه در صفحه

محاكمة خرابكاران ایرانی در افغانستان

ج ۰۱۰ در جنگ تحمیلی امپریالیستی علیه افغانستان دمکراتیک به انحاء مختلف شرکت جسته و می جوید. دست اندرکاران رژیمه تنها میهن ما را به یکی از پایگاه های اشرا، اوباش و ضد انقلابیون فراری افغانی بدل کرده اند بلکه دستجات خرابکار تجهیز می کنند و بمنظور اخلال در روند پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و بهبود شرایط زندگی زحمتکشان افغانستان به آن کشور اعزام می دارند.

اخیرا گروهی از این خرابکاران با نام "جماعت اسلامی" و منسوب به باند قدوسی در جریان توطئه علیه مردم بیگناه افغانستان به جنگ نیروی انقلابی این کشور افتاد.

دادگاه ویژه انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان اعضای این باند را در دادگاه ملنی که در آن نزدیک به چهارهزار نفر شرکت نموده بودند محاکمه کردند. اسناد و اعترافات متهمین نشان داد که آنها توسط مقامات ارتجاعی ایران تجهیز و برای خرابکاری به افغانستان اعزام شده بودند. این دسته خرابکار در ولایت بلخ منازل، مدارس و مساجد را به آتش کشیده و در قتل افراد بیگناه زیادی دست داشتند. دادگاه ۱۴ نفر از این جانین و آدمکشان را به مرگ و ۱۲ نفر را به زندان محکوم کرد.

زحمتکشان ایران توطئه های ج ۰۱۰ علیه خلق و افغانستان را محکوم کرده و خواهان قطع فوری تجاوز به کشور دوست و همسایه شدند.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

کمکهای مالی رسیده:

کک به نامه مردم

رفیق روشن سه عدد انگوی طلا، یک انگشتری زمر، سه عدد انگشتری طلا و دو عدد گردن بند طلا

NAMEH
MARDOM
No: 24

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

NOV. 15, 1984

Price

W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts

مرگ بر امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان